

رخبر

تک شماره ۱۰ ریال ارکان مرکزی سازمان انقلابی

امپریالیسم روسیه ۱۲۰۰۰ زندانی سیاسی را در افغانستان قتل عام کرد

از سیمای جمهوری اسلامی ایران بدین مضمون از سیمای جمهوری اسلامی ایران بدین مضمون
بقیه در صفحه ۶

در تاریخ ۲۶ آبان، خبر هولناک و تکان دهنده‌ای در مورد کشور همسایه ما افغانستان

مبارزه و اتکابخود، اینست پاسخ ملت به آمریکا

ایران گفت آمریکا نمیتواند غلظی بکند امپریالیسم آمریکا هرچه تقلا کند بیشتر در مرداب سرنوشت محتوم خود فرو میرود.
۲- مواد خام کشورهای جهان سوم و بویژه منابع نفت کشورهای تولیدکننده آن یکا سلاحه سیاسی است. کشورهای جهان سوم باید این سلاح سیاسی را در مقابل با امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی بکار گیرند. رهبری کشور ما بدرستی این سلاح برنده را در مقابل امپریالیسم آمریکا بکار گرفته است. بکار گرفتن سلاح نفت در مقابل با آمریکا پرمدعا و تو خالی دو خاصیت مهم دیگر نیز دارد.
اولا- در مبارزه کنونی وسیله‌ای موثر برای وارد ساختن ضربات سخت تری بر بیکر پوسیده امپریالیسم آمریکا و اقتصاد بحران زده آنست.

ثانیا- برای کشور ما فرصتی است تا بر

هم میهنان عزیز:
۱- جنایتکاران امپریالیستی آمریکا پس از پناه دادن به شاه مخلوع و برخاستن موج عظیم مبارزه ضد امپریالیستی در کشورمان و اشغال لانه جاسوسی کاخ سفید آمریکا، ملت ما و انقلاب اسلامی ملت ما را تهدید به تحریم اقتصادی و محاصره اقتصادی نمودند. در مقابل، شورای انقلاب اسلامی تحت هدایت امام خمینی و رهنمودهای قاطع ایشان تصمیم به قطع صدور نفت به آمریکا و قطع فروش آن به شرکت‌های آمریکائی گرفت. این یک اقدام شجاعانه و انعکاس روحیه و خواست انقلابی و بحق ملت قهرمان ایران است.
امپریالیسم آمریکا دچار این افکار واهی است که میتواند ملت ما را بترساند، تحقیر کند و تحت فشار بگذارد اما دوران "آقائی" آمریکا بسرآمده، افسانه شکست ناپذیری امپراطوری دلار، افسانه قرن آمریکا مدتهاست بوردستگتی کشیده شده و همانگونه که امام خمینی به ملت

مبارزه ضد امپریالیستی را با تکیه بخود، وحدت، تحکیم رهبری امام، طرد عناصر وابسته به دوا بر قدرت آمریکا و روسیه به پیش می‌بریم، از هیچ تهدیدی نهراسیده و به پیشواز ایرانی مستقل و متکی به خود می‌رویم

چگونه مبارزه برای استقلال را به پیش می‌بریم؟

که گوئی خودش به ناتوانی این حربه از پیش آگاه است. ملت ما سرور از این توفیق اجباری به استقبال نه تنها این به اصطلاح تحریم، بلکه تحریم هر آنچه آمریکائی است می‌رود و بالاخره تهدیدهای مختلف و حتی تهدید نظامی مطرح می‌شود که باز هم می‌بینیم ملت تصمیم خود به مقاومت و مبارزه تا به آخر را اعلام می‌کند.

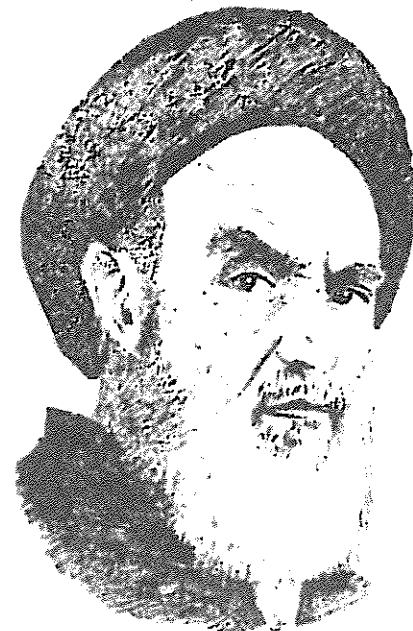
امروز به طور عینی تری این سؤال مطرح است که چگونه می‌توانیم مبارزه برای استقلال کامل را با موفقیت به پیش ببریم؟ و در ادامه مبارزه با چه مسائلی روبرو هستیم و چگونه باید آنها را یک به یک حل کنیم؟

ما در زیر رهوس این مسائل را توضیح می‌دهیم.
قطع وابستگی، جنبشی است توده‌ای، نه کاری بوروکراتیک و جدا از مردم

بقیه در صفحه ۶

مبارزه ضد امپریالیستی و جنبش استقلال طلبانه‌ی مردم میهن ما در هفته‌های اخیر اوج نوینی یافته و با اشغال لانه جاسوسی آمریکا تشدید شده است. امروز دیگر مساله قطع کامل وابستگی‌ها به طور جدی و ملموس برای مردم ما مطرح است.
امپریالیسم آمریکا آن چنان مایوسانه حربه از کار افتاده "تحریم" را پیش می‌کشد

گامی به پیش بدست امام



در صفحه ۲

در باره قانون اساسی

در صفحه ۷

يك نامه و پاسخ درباره جنبش اسلامی

نامه‌ای را که در زیر می‌خوانید چندی پیش در یافت کردیم و با توجه به مطالبی که در آن درج شده بود لازم دانستیم پاسخ کوتاهی در حد درک خود از نقش جنبش اسلام مبارز در ۷۰ سال اخیر بدهیم که بدنبال نامه می‌خوانید.

بقیه در صفحه ۲

سفری به مناطق زلزله زده خراسان

بیانیه

انجمن مبارزین

سفری به مناطق زلزله زده خراسان

پس از فاجعه زلزله قائن خراسان، چند تن از هواداران سازمان انقلابی و خبرنگار رنجبر از مشهد به منطقه زلزله زده برای کمک مردم حرکت کردند. آنچه در زیر میخوانید خلاصه ای از گزارش مشاهدات آنهاست.

در زلزله ای که در صبح چهارشنبه در دهات اطراف قائن روی داد، در بیشتر از ۱۲ روستا خرابی به بار آورد که در روستاهای استند - گرماب - کروزو - بوهن آباد - فندخت خرابی ها زیاد بوده در حدود ۳۸ کشته بجای گذاشته است.

در این مناطق مردم عمدتاً دامداری دارند و کمی هم زراعت می کنند. محصول عمده زعفران است ولی در بعضی مناطق (مثل استند و گرماب) گندم هم می کارند. مسئله عمده در این مناطق مسئله آب است. زلزله بخصوص در استند و بوهن آباد و کروزو خرابی های زیادی به بار آورده است. خانه هایی هم که خراب نشده اند، ترک خورده اند و از اینرو قابل استفاده نیستند. در کروزو ساختمان دیستان که آجری است و در آن تیر آهن به کار رفته است آسیبی ندیده است. این سان می دهد که یکی از مهمترین مسائلی که باید به آن توجه بشود ساختن خانه های آجری با تیر آهن است بخصوص که این مناطق یکی از مناطق زلزله خیز کشور است.



خواستنه های قوری مردم جادر و سوخت (پتو، چراغ، نفت) است.

ده گرماب: ۲۸ نفر کشته - ۲۰ نفر زخمی

با یکی از مسئولین جادر در گرماب (که مرکز فعالیتها بود) صحبت کردیم. او میگفت: ۱۲ روستا آسیب دیده و چهار یا پنج روستا کشته هم داشته است. نیروی انسانی بقیه در صفحه ۵

سال پیش هم در این مناطق زلزله رخ داده بود که در بزن آباد و حیدرآباد خرابی به بار آورده بود (در ۲۷ دی ماه) مردم می گفتند که بنیاد مسکن هنوز خانه هایی را که تراز بوده درست کند درست نکرده است (گویا فقط بنون اولیه اش راریخته اند) و هنوز مردم در جادر زندگی می کنند. در این مناطق چون مردم دامدار هستند یکی از مهمترین خواسته هایشان علوفه برای دامهایشان است. زیرا علوفه ای را که برای زمستان ذخیره کرده اند، زیرآوار مانده است.

به استقبال سه شماره «رنجبر» در هفته می رویم

مبارزه ملی و طبقاتی مردم میهنمان اوج و شتاب تازه ای می گیرد و وظایف کلیه ی انقلابیون راستین در پاسخگویی به این رشد مبارزه سنگین تری شود. این مساله در صحنه تبلیغ نظرات انقلابی هم صادق است و از اینروست که تصمیم گرفته ایم تا در آینده ای نزدیک «رنجبر» را بجای هفته ای یکبار، سه روز در هفته منتشر کنیم.

در انجام چنین کاری با مشکلات فراوانی روبرو هستیم اما مصممیم که با آنها مقابله کنیم و پیروزی در این نبرد هم تنها با تکیه به توده ها، به شما خوانندگان میهن پرست امکان پذیر است. پیشرفتی هم که تاکنون در کارها بدست آورده ایم با تکیه به توده ها بوده است. اکثر اخبار و گزارشات از شما رسیده و رنجبر را خود شما بخش کرده و بفروش رسانده اید.

شما خوانندگان «رنجبر»، دوستان

بقیه در صفحه ۵

اوج گیری مبارزه ضد امپریالیستی و ورشکستگی رهبری غاصب چریکها

هم اکنون که کمتر از یکسال از پیروزی قیام بهمن ماه میگذرد، نیروهای سیاسی بسیاری در این جریان حقانیت خود را نشان داده و تثبیت کرده اند و نیروهای دیگری نیز عدم حقانیت ایدئولوژیک، بوجی سیاسی، دروغین بودن شعارها و حتی ابتدال معنوی خود را به معرض نمایش گذاشته اند. نیروهای اصیل استقلال طلب یعنی نیروهای سه جریان بزرگ سیاسی جامعه ما (اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی) متعلق به دسته اول اند، حال آنکه چپ ناهای رنگارنگ و انقلابیون کاذب تعلق خود را به دسته دوم به کرات ثابت کرده اند.

اخیراً ما بار دیگر شاهد هنر نمایشی گروهی از این دسته اخیر بوده ایم، گروهی که همچنان عنوان پرطمطراق رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق را با خود حمل میکنند. این گروه در حوادث اخیر انقلاب ایران چه کرد؟

زمانی که کارتر به بهانه های بشردوستانه شاه جانی را به نزد خود یعنی در جوار اشرف و اویسی و زاهدی و دیگر کودکان و توطئه گران،

بقیه در صفحه ۷

بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر

گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر در پائیز ۱۳۵۷ بطور علنی اعلام موجودیت کرد. گروه اساساً متشکل از رفقای بود که از پنج ماه تا پنج سال زندانی کشیده بودند. از طرفداران "سازمان چریکهای فدائی خلق" و "سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان" بودند که با انتقاد از مشی مبارزه مسلحانه جدا از توده ها، مشی توده ای را می پذیرند. بعداً "که توفان" اعلام حزب میکند، آنها آنرا قاطعانه رد می نمایند.

اکنون بخشی از این گروه بیانیه زیر را در پیوستن به "کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران" انتشار داده است.

بیانیه بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر
 امر ایجاد حزب کمونیست ایران می رود که تحقق بی پذیرد. این یک آرزوی دیرینه همه مارکسیست - لنینیستهای واقعی بود. ما نیز بعنوان بخش کوچکی از جنبش کمونیستی میهنمان به سهم خود از این امر دفاع کرده و بعنوان یک وظیفه تاریخی که بر دوش سازمانهای تشکیل دهنده آن قرار گرفته همراهش و در پیشبرد امرش، مجدانه گام بر میداریم. درک ما از کمیته ایجاد حزب کمونیست بعد از یک پیروست نسبتاً طولانی و کار مشترک با یکی از سازمانهای تشکیل دهنده آن بود که تحقق یافت تا آنجا که کمیته تدارک را نماینده واقعی جنبش کمونیستی ایران ارزیابی کردیم و امر خود دانستیم.

اما چرا ما بچنین درکی ناقل شدیم؟ چرا این کمیته را بعنوان تنها نماینده واقعی جنبش بقیه در صفحه ۴

پایگاه خط امام توده مردم است نه جبهه انقیاد طلبان

با ادامه اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان "پیرو خط امام"، هر روز بر دامنه های تظاهرات مردم میهن ما در همبستگی با این اقدام ضد امپریالیستی افزوده می شود.

در این میان دار و دسته وابسته به روس - کیانوری هم می گویند با استفاده از جوی که علیه امپریالیسم آمریکا بوجود آمده است مقاصد انقیاد طلبانه خود را به مردم ما تحمیل نموده و مسیر حرکت ضد امپریالیستی مردم ما را به سود اربابان روسی خود منحرف نمایند. این دار و دسته وقاحت را به آنجا کشانده اند که به اصطلاح "جبهه متحد خلق" ساخته و پرداخته خود را که چیزی جز ابزار انقیاد طلبی نیست، تحت عنوان: "پایگاه متشکل وسیع برای پیشبرد خط امام" به مردم ما قالب کنند.

باید پرسید که: آیا بین خط انقلابی امام و با اصطلاح "جبهه متحد خلق" این دار و دسته، رابطه ای وجود دارد؟ به اعتقاد ما دریائی از خون آنها را از هم جدا می کند. خط امام، خط استقلال، خط مبارزه ضد امپریالیستی و علیه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی است. در حالی که به اصطلاح "جبهه متحد خلق" این دار و دسته، در خدمت انقیاد ملی و وابستگی به امپریالیسم روسیه است.

بقیه در صفحه ۳

رنجبر و خوانندگان

یک نامه و پاسخ ما

"سردبیر محترم گرامی روزنامه رنجبر" با عرض سلام - نظر باینکه این روزها مساله ولایت فقیه در مجلس خبرگان مطرح است و بخصوص در بیرون مجلس بحث راجع به آن داغ است، انتظار میرفت (رنجبر) نیز بحثی بآن اختصاص دهد چرا که وظیفه همه نیروهای ترقی خواهان برای نظرتقیما "یا اثباتا" در موضوعات مبتلا به میباشد.

اینجانب مختصری در نقش روحانیت طی مبارزات قرن اخیر ایران و جنبه دوگانه آن تقدیم میدارد اگر صلاح بدانید بعنوان فتح باب تعمق و مطالعه‌ای، دستور فرمائید طبع شود. بدیهی است تمام میهن پرستان و ترقی خواهان روی شخصی امام خمینی بحثی ندارند چه صرف نظر از هر ملاحظه‌ای، ایشان عملاً رهبر کشور هستند. نکته اینست که آیا بنحویکه در مجلس خبرگان میخواهند حکومت فقیه را نهادی کنند و حتی ترتیباتی مانند انتخاب پاپ برای تعیین رهبر مذهبی شیعه که همان رهبر مملکت خواهد بود، قائل شوند، روی این موضوع بحث هست.

نقش روحانیت شیعه در جریانات سیاسی قرن اخیر را در چند تیتر میتوان خلاصه کرد: الف - در ماجرای تنباکو پس از آنکه زارعین و کسبه پیشروان و تجار علیه قرارداد رزی قیام کردند، میرزای شیرازی با فتوای خود به قیام صحت گذاشت - انهم با اشاره سید جمال الدین اسدآبادی که یک روشنفکر مبارز و خارج از سلک روحانیت رسمی بود، در همان موقع بعضی روحانیون معتبر مانند ملا علی کنی و سید عبدالله بهبانی و نیز امام جمعه تهران علیه فتوای میرزای شیرازی ایستادند که البته در برابر فشار افکار عمومی مؤثر نیفتاد.

ب - در مشروطیت چنانکه معروف است دو جناح مشروطه خواه و مستبد خواه (تحت عنوان مشروعه خواه) در روحانیت پدید آمد و شیخ فضل اله نوری سردسته مشروعه خواهان به فتوای آخوند ملاکام خراسانی بوسیله آیت الله زنجانی - همدرس شیخ فضل اله - محاکمه شد و بدست پسرش که او هم روحانی مبارزی بود بر سردار رفت. در این مورد آل احمد و بعضی دیگر به تقلید وی اعدام شیخ را کار "غریبزدگان" دانستند در حالیکه در شرایط تصعب مذهبی ۷۰ سال پیش اعدام مانند شیخ فضل اله مجتهدی جز با همکاری اقشار وسیع مذهبیون آزادخواه امکان پذیر نبوده است. (در مورد محاکمات شیخ فضل اله رجوع کنید به تاریخ مشروطه مهدی ملکزاده).

ج - با تکامل مبارزات مشروطه خواهی و بسط جنگ طبقاتی جناح بندی روحانیت ادامه یافت. آیت الله میرزا حسن نائینی شاگرد ملاکام خراسانی با نوشتن کتاب "تزییه المله و تنبیه الامه" علیه روحانیت استبداد خواه یا مشروعه خواه

در زمان رضاخان در رابطه با کشف حجاب و لباس متحدالشکل تحصیلی استعماری، موج سب گرایانه مذهبی شدیدی بر رهبری بهلول و سید حسین قمی و آقا زاده خراسانی علیه وی برخاست که بکشتار مسلمانانجامید و سرکوب شد. این جریان دوگانه خرده روزواری را "روشنگران ارتجاعی ارزیابی کردند.

در زمان رضاخان، یک موج روشنگری از درون روحانیت غیر رسمی بر رهبری شریعت سنگلجی برخاست که خواستار زدودن دین از زوائد و خرافات و نوعی پروتستانا نیسم بود (مرحوم طالقانی از ساگردان شریعت سنگلجی است) ... سنت گرایان افراطی شریعت سنگلجی را "وهابی" مینامیدند همان انتهای که بعد ها به علی شریعتی زدند. بقایای طرفداران شریعت سنگلجی در حال حاضر مرید آیت الله سید ابوالفضل برفعی قمی هستند.

و - پس از شهریور شاهد سه موج روحانی بوده ایم: ۱ - موج خالصی زاده در حوالی سالهای ۲۴ - ۲۵ که دامگوزی محض بود و بسرعت فروکش کرد.

۲ - موج کاسانی که تا حوالی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در کنار نهضت ملی نفت و همراه مصدق بود و از آن پس جنبه مخالف گرفت و بشرحی که همه میدانیم خواه ناخواه از عوامل شکست نهضت ۳ - موج ۳۹ - ۴۲ که از مخالفت با تغییر قانون انتخابات ایالتی شروع شد و چنانکه اکثر "میدانند به قیام عمومی ۱۵ خرداد ختم شد و از آن پس رهبری مذهبی و سیاسی امام خمینی آغاز میشود و گرایشات متفاوت روحانیت طی ۱۶ سال اخیر شرح مفصلی لازم دارد که خارج از گنجایش این نوشتار است. لیکن رهبری قاطع و بحق و موضع سازش ناپذیر ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی امام، نکته ایست که تمام ملت بر آن صحه گذاشته و معظم له رهبر طبیعی و بی رقیب ملت هستند.

آنچه در اینجا باید توجه داشت اینکه جمع آمدن شرایط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و تاریخی بسیار پیچیده و ننادری امام را در راس مبارزات ضد استبدادی - ضد استعماری ایران قرار داد که بر آنجمله نبوغ و مواهب و درایت و شجاعت خاص ایشان نقش مهم داشت (و این همان نقش شخصیت در تاریخ است) و چنان نیست که هر مجتهدی بتواند چنان موقعیتی بیاید.

مقام خاص امام، یک مقام تفویضی از سوی ملت است که طی دو سال مبارزه خونین مردم با شصت هزار شهید سند آن را امضا کرده اند. نمیتوان این موقعیت ویژه را نهادی کرد بخصوص که اختیارات فقیه در رئیس جمهور و شورای نگهبان و مجلس، اصطکاکاتی پیدا میکند که ممکنست در زمان شخص، امام قائل صفتظ باشد که اگر

قرنها، با انکا به تشیع وزیر لوای پیروی از امامان شیعه صورت گرفته است. این امر به اصول، سنن و معتقدات شیعه خصلتی مردمی بحشیده است و تا کنون اجازه نداده است که به صورت مذهب اقلیت حاکم در آید. و به همین دلیل امروز هم نقش خود را در بسیج نوده های مردم از دست نداده است.

ما معتقدیم که اگر رهبران کنونی روحانیت بخواهند این خصلت مردمی را از مذهب تشیع بگیرند و چنانکه خواننده ما متذکر شده است، ترتیباتی مانند انتخاب پاپ برای تعیین رهبر مذهبی قایل شوند، به سرعت پایگاه مردمی خود را از دست خواهند داد و از پشتیبانی کنونی که از آن بر خوردارند محروم خواهند ماند.

چنانکه می دانیم در مذهب تشیع پیروی مردم از مراجع تقلید یک پیروی آزادانه و اختیاری است و هر کس خود مسئول است که از مجتهد عادل و اعلم پیروی کند. این امر هیچ شباهتی به انتخاب رهبر دینی در سایر مذاهب ندارد. نمونه این امر هم پیروی مردم از امام خمینی است که به دور از هر نوع اجباری است و در واقع مردم فقط بر اساس اعتقادی که در طول سالیان دراز به حقانیت و صلاحیت ایشان یافته اند، از ایشان پیروی و تشیعت می کنند.

اصولا رهبری مذهبی در تشیع مبتنی بر همین اساس است و هر روش دیگری با سنت ها و اصول تشیع مطابقت ندارد. به همین دلیل است که ملاحظه می کنیم امام خمینی در بحث ولایت فقیه تذکر می دهند که این ولایت بر اساس قانون و تصویب نامه و غیره منکی نیست و اصولا نیازی به آن ندارد.

ما اعتقاد داریم اگر روحانیت تشیع نقش مبارز و ضد استعماری و حق طلبانه و استقلال خواهانه خود را از دست بدهد و منافع توده های مردم ایران را فراموش کند، هیچ قانون اساسی و تصویب نامه ای موجب پشتیبانی مردم از آنان نخواهد شد و حتما از میان همین روحانیت مبارز کسانی پیدا خواهند شد که گذشته انقلابی تشیع را به یاد آنان بیاورند و اجازه انحراف از آن را ندهند و برای حفظ آن بکوشند.

اما در مورد نقش روحانیت در مبارزات قرن اخیر. در میان همه روشنگران ایرانی این گرایش هست که این نقش را در مبارزات از زمان مشروطیت تا امروز دست کم بگیرند و نقش عمده را متعلق به روشنگران امروزی و متجدد بدانند. این گرایش در گذشته صدمات بسیاری به مبارزه ضد امپریالیستی زده است و امروز نیز همین خطر به شدت وجود دارد. این روشنگران فراموش می کنند که تکیه به سنن و اعتقادات ملی و مردمی در هر مبارزه انقلابی یک عامل عمده موفقیت است و در ایران نیز این سنن در مذهب تشیع تجلی یافته است و روحانیت مبارز حافظ و پرچمدار آن بوده است. مردم با حرف های کتابی روشنگران بیگانه اند و آن را بیان کننده خواسته های خود نمی بینند. اما روحانیت با آنان رابطه نزدیک

هنر و ادبیات

جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان وقتی که استقلال ما را به گردش می برند

صبح یکی از روزها، آقا کلاغه، پستیچی محله، در بین بسته های پستی رسیده، چشمش به بسته آقا شیره میفتد که به جای گیرنده نوشته شده "ضعیفترین فرد جنگل". آقاسای پستیچی ضمن رساندن بسته های دیگر به صاحبانش، از همه می پرسد که ضعیفترین حیوان کیست، ولی بجای جواب قدری دشنام می شنود. تا اینکه می رسد به خرگوش که همچنان کریسه می کند. کلاغ می پرسد تو از همه ضعیف تری؟ خرگوش جواب می دهد: بله و خلاصه حق هق گریه می کند و به بخت خود لعنت می فرستد. آقا کلاغه می گوید: ناراحت نباش، عوضش امروز یک "هدیه" برات رسیده. (این کلاغ سیاه آدم را یاد دار و دسته گیانوری میندازد).

خرگوش خوشحال به اداره پست می رود که هدیه اش را تحویل بگیرد گراز سر می رسد و می گوید این هدیه مال من است و من از همه ضعیفتر هستم. در این حین و بیصی روباه مکار هم وارد معرکه می شود و با گراز بر اینکه کی از همه ضعیفتر است و هدیه به کی تعلق می گیرد جرو و بحث می کنند که گرگ خونخوار با ابهت سر می رسد و به غائله خاتمه می دهد و میگوید: این هدیه مال من است و من از همه ضعیفترم و شروع می کند به باز کردن جعبه که ناگهان موهای تنش از ترس سیخ می شوند و برق از چشم همه می پرد، چون به جای هدیه، برزنف در داخل جعبه نشسته است (یعنی همان آقا شیره!!)

حیوانات وحشی همه از ترس فرار میکنند و آقا شیره، خرگوش را از شر آن حیوانات درنده "نجات" می دهد و همراه کلاغ و سایر حیوانات کوچک به گردش در جنگل می روند و صفا می کنند!!

البته کارگردان مزدور دیگر نشان نمی دهد که چطور آقا شیره خودش سینه خرگوش و بقیه حیوانات کوچک را میدرد و جگرشان را به دندان می کشد!

بعد از اتمام فیلم، آدم بزرگ هم دلش می خواهد بپرد و به جایی وابسته شود چهره سد به کودکان و نوجوانان! خلاصه آقاسای کانون "پرورش فکری"، دست میریزد! محتوی فیلم این است: سوسیال امپریالیسم روسی برای "نجات" کشورهای ضعیف با جعبه "کمک های اقتصادی" در آن کشورها رخنه می کند و استقلال آنان را بگردش می برد!! آقاسای مسئولین این بود مفهوم ضد

جشنواره ایرانی فیلم های کودکان و نوجوانان، در اوج جنبش ضد امپریالیستی مردم که در حال حاضر گریبان امریکاراچسبیده است، افتتاح شد. این جشنواره که از مدت ها قبل انتظارش را می کشیدیم، شروع شد و تمام شد و ما مانده ایم و مشتئ سئوال جور و جور. در قسمت مسابقه جشنواره، فقط چند فیلم ایرانی نسبتا خوب دیدیم و بقیه همان فیلم های قلابی و همان فیلمسازان قلابی سابق با استفاده از داستانهای مبتذل روانشناسی کودک به سبک امریکائی و غربی و یاد اطوارهای فیلمسازان اروپائی که برای کودکان حتی "سرگرم" کننده هم نبود.

ولی ایگاش فقط این بود! چیزی که مثل آب یخ به سرمان ریخت، فیلم های خارجی بودند که در قسمت خارج از مسابقه به نمایش گذاشته شد. اکثریت فیلمهای این بخش از مبتذل ترین و مرتجانانه ترین فیلمهای اروپای شرقی و روسیه امپریالیستی بود که داستانهای وابستگی به شرق را در شاعرانه ترین نوعش ستایش می کرد.

برای اینکه شما نیز از "فیض" این فیلمها محروم نمانده باشید، یک نمونه از این فیلمها را برایتان تعریف می کنم، تا شک تان در مورد صلاحیت کمیته انتخاب فیلم های جشنواره به کلی بر طرف شود. اسم فیلم هست "هدیه ای برای ضعیفترین" - محصول کشور روسیه - کارتون، برای نوجوانان، حالا حواستان باشد، تا تعریف کنیم:

روزی روزگاری در جنگل انبوهی شیری زندگی می کرد که بسیار مهربان و در عین حال قدرتمند بود. این شیر به طور عجیبی اهسل مطالعه "سوسیالیستی" است. اما حالا که فیلم شروع می شود، شیر خسته شده، کتاب را می بندد و با کیفهای شاداب و مهربان، تلویزیون مدار بسته جنگل را روشن می کند. در تلویزیون حادثه وحشتناکی را می بینید: در گوشه ای از جنگل، خرگوش کوچک و ضعیفی از جانب گراز می خورد تهاجم قرار می گیرد و هراسان به جانبی می گریزد، اما روباه مکاری با یک خیز راه را بر او می بندد، خرگوش وحشت زده از جانبی دیگر می گریزد، غافل از اینکه گرگ خونخوار در کمرش راه در انتظارش است. اما خرگوش بیچاره با یک جهش از او هم می گریزد و خود را در زیر بنه های مخفی می کند. خرگوش بدبخت از ترس، زهره اش می ترکد. از داشتن این همه دشمن و از بخت بد خود که

خرگوش بدبخت از ترس، زهره‌اش می‌ترسد. از داشتن این همه دشمن و از بخت بد خود که او را این چنین کوچک و ضعیف آفریده، های‌های گریه سر می‌دهد و چنان می‌گرید که سوسپال-امیرالیسم (یعنی همان آقا شیره) هم از این همه ظلم و ستمی که بر خرگوش رفته‌است، بی‌اختیار اشک از چشمانش سرازیر می‌شود و بر او اشک تمساح می‌بارد. آقا شیره، تلویزیون را خاموش می‌کند و به کمک خرگوش (یعنی کشورهای مستضعف) می‌شنابد، فکری بخاطرش می‌رسد: صدوقی که رویش نوشته شده "کفک های اقتصادی برای ضعف" را بر میدارد و آن را بر از برتقال و مواد غذایی می‌کند و به "آدرس" هدیه برای ضعیفترین برای خرگوش پست می‌کند. خب آقا شیره را اینجا داشته باشید تا ببینیم چه بر خرگوش "بینوا و مفلوک" آمد.

می‌برد! آقایان مسئولین این بود مفهوم ضد امیرالیستی جشنواره؟! نمایش این قبیل فیلم‌های امیرالیستی که وابسته شدن به اسیر قدرتها را تنها ره رهایی ملل مستضعف میدانند چه معنی دارد؟ چه رسد به نمایش آن برای کودکان و نو جوانان انقلابی کشور ما؟! آیا این است جواب گان‌ون به ندای امام خمینی در مورد استقلال و بخصوص استقلال فرهنگی؟ اگر مدعی هستید که فیلم و فیلم ساز کم دارید، کافی است کمی امکانات در اختیار همین کودکان و نو جوانان خودمان بگذارید تا جشنواره شما را ملو از فیلم‌های انقلابی کنند و فیلم‌های امیرالیسم روسیه را که فقط به درد نمایش در "کلوب تفریحات سالم حزب توده" می‌خورد، را به آتش بیفکنند.

نمایش زشت

ملی کردن بانکها و لغو قراردادهای نظامی ایران با آمریکا را به مضحکه کشیده بودند و دولت جدید را بگونه‌ای مرتجع و ضد خلقی قلمداد میکردند و عامل سیای آمریکا که رفتن شاه از ایران رخت بر بسته بود، بوسیله دولت جدید دوباره روی کار آمده بود.

نمایش به این صورت بود که عمال امیرالیستی کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلستان و آلمان هر کدام به دولت جدید جنگ انداخته و شخص رهبری را در عملکردهای دولت در ارتباط با کشورهای دینفع، عامل سرسپرده نشان میدادند! روی هم رفته فضای حاکم بر سالن نمایش بود که به تم اصلی نمایش آنچنان محیط آکنده از اسراری را بوجود آورده بود که حتی شاهد گریه کردن چند نفر که نتوانسته بودند آن فضا را تحمل کنند، بودیم.

پاتقدیم احترام
م - جلیلی

سر دبیر محترم "رنجیر" در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۵۸ به دیدن نتایج بنام "دشن اصلی من" در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران رفتم که این نتایج به مدت یک ماه ونیم روی صحنه بود. موضوع نتایج واقعاً اخیر ایران بود.

ماجرای نمایش از ابتدای قیام ملت ایران شروع، و به تشکیل دولت جدید ختم میشد و گذرا از جریاناتی که اتفاق افتاده تا تاریخ ۲۲ بهمن که پیروزی انقلاب ایران بود گذشت. تا اینجا نمایش بگونه‌ای قابل تحمل بود هر چند که قیام ملتی اس حسن سرسحر را که علیه امیرالیسم برپا شده بود، صورت نمایشی کم‌دی موریکال در آورده بودند که باعث خنده حضار میشد. تا اینجا نمایش به رفتن شاه که عامل امیرالیسم آمریکا در ایران بود منتهی شد و سپس روی کار آمدن دولت جدید را نشان میداد که از اینجا نمایش بصورت وحشتناکی غیر واقعی می‌شود و اعمالی که دولت انجام داد در قبیل

به تمام اقشار ملت و منجمله خلق کرد اعلام داشتند، ایشان همچنین دولت جمهوری اسلامی را موظف به تأمین آن در اسرع وقت و تدوین قوانین مربوطه نمودند.

ایشان همچنین از هیئت ویژه خواستند که "بمذاکرات حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا تأمین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست بطور دلخواه بشود." ما این تصمیم مهم امام خمینی را بگرمی

گردستان

در بیست و ششم آبانماه امام خمینی رهبر محبوب انقلاب اسلامی ایران پیام مهمی برای خلق کرد کشورمان فرستاد. در این پیام امام خمینی با توجه دادن خواهران و برادران کرد به اهمیت وحدت ملی در برابر توطئه‌های امپریالیست‌ها ادامه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و محکوم نمودن هرگونه تبعیض در جمهوری اسلامی ایران "حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی" را متعلق

حسب رتبه در رئیس جمهور و شورای نگهبان و مجلس، اصطکاکاتی پیدا میکنند که منکست در زمان شخص امام قابل صرف نظر باشد ولی اگر حساب کلی تر بکنیم، ثبات سیاسی لازم برای رشد اقتصادی و قدرت ملی در برابر استعمارگران را تضعیف خواهد کرد. شورای رهبری نیز بر خلاف آنچه از ظاهر "دمکراتیک" آن برمی‌آید، عبارت از تحکیم دیکتاتوری قشر روحانی است. توجه داشته باشید که گزایندهاها دوگانه روحانیت هم اکنون بارزتر شده و باز هم روشن تر خواهد شد و این که رهبر واحد (پس از امام خمینی) یا شورای رهبری، نماینده کدام گرایش باشد در خصلت "جمهوری اسلامی" مؤثر خواهد بود و عواقب آن معلوم است.

بگمان من همان بهتر که روحانیت موضع رهبری معنوی و اپوزیسیون خود را حفظ کند و هرگاه نحرافتی از اصول ملی حاصل شد در پیشاپیش ملت دخالت کند. اگر روحانیت را مقام رسمی بدهند باز هم توده‌ها، رهبریت مردمی خود را در غیر رسمی‌ها جستجو خواهد کرد. زیاده از این تصدیح نمیدهد.

با احترامات فائقه
امین مهدی آبادی
الف - م.
(قاضی بازنشسته)

پاسخ ما

همان طور که نویسنده نامه خود پیشنهاد کرده است، این نامه را به عنوان فتح باب برای تبادل نظر و اظهار عقیده در مورد نقش اسلام مبارز و روحانیت در حیات سیاسی ملت ایران چاپ کرده‌ایم. نویسنده در نامه خود مسائل متعدد و مهمی را به اختصار طرح کرده است که در مورد هر یک از آنها جای بحث و مطالعه بسیار وسیع هست و حتماً انصاف می‌دهند که اشارات مختصر و کلی که در نامه خود در مورد نقش روحانیت سیه در جریانات سیاسی قرن اخیر کرده‌اند، به هیچ وجه برای تک تصاویر صحیح و ناطع کافی نیست. ما انتظار داریم خوانندگان دیگری که در این زمینه صاحب نظر و مطلع هستند به ما در طرح حسیه‌های کوباکون این ساله یاری دهند.

اما آنچه در این مختصر می‌توان ذکر کرد آن است که با وجود آن که ولایت فقیه و مضمون واقعی آن به نظر ما نیز هنوز کاملاً روشن نشده است اما مقایسه آن با یک حکومت مذهبی به شکل کلیسای کاتولیک و آریزایی آن به عنوان دیکتاتوری فقهی صحیح نیست و نشان دهنده بی توجهی به خصوصیات مذهب تشیع و سابقه تاریخی و سنن ویژه آن و در نظر نگرفتن نقش ضد امپریالیستی روحانیت در سده اخیر است. نکته اساسی آن است که بسیاری از مبارزات مردم بر علیه حکومت های فتووال در طول

حمایت نموده و آنرا گام مهمی در برآوردن خواسته‌های خلق ستمدیده کرد و از میان برداشتن زمینه‌هایی میدانیم که دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و عمال آنها از آن بهره‌برداری می‌نمودند.

درود بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران
سازمان انقلابی
سازمان کمونرها
سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر

۲۷ آبان ۱۳۵۸

بیگانگانند و آن را بیان کننده خواسته‌های خود نمی‌بینند. اما روحانیت با آنان رابطه نزدیک دارد و از زبان خود آنان سخن می‌گوید. اگر از همان زمان مشروطیت روشنفکران ایرانی به این امر توجه کرده بودند، بسیاری از شکست‌های مبارزه ضد استعماری ملت ایران قابل اجتناب می‌بود. در واقع یک جنبه از آنچه شیخ فضل الله نوری را به مخالفت با مشروطه خواهان و داشت ترس او از تسلط فرهنگ بورژوازی غرب و استیلای فکری استعمارگران بود و امروز ما درک می‌کنیم که این ترس چندان هم بی پایه نبوده است. وقتی در صرف مشروطه خواهان کسانی مانند سید حسن تقی زاده پیدا می‌شوند که از آغاز پرچم تسلیم آگاهانه در مقابل فرهنگ غربی را بلند میکنند و بعداً با همین گرایش‌ها ظاهراً ترقی خواهان در کنار رضا خان قرار می‌گیرند و مملکت را یکپارچه به انگلیسیها تحویل می‌دهند، چرا حداقل این گونه نگرانی‌ها را مورد توجه قرار ندهیم و یا دست کم علل جهت گیری اورا بیشتر بررسی نکنیم و در این مورد ارزیابی مجددی به عمل نیاوریم؟

نویسنده نامه در اکثر موارد سعی میکند نقش روحانیت را کم جلوه دهد و روی نکات منفی تأکید کند. عکس العمل روحانیت در مقابل قرارداد رژی را ناشی از اشاره سید جمال الدین اسدآبادی میدانند و بجای اشاره به جهت گیری عمومی روحانیت بر علیه این قرارداد موارد استثنائی مخالفت با آن از جانب این یا آن روحانی را مورد تأکید قرار می‌دهد و به نقش اساسی طباطبائی و بهبهانی و شفا لاسلام و دیگر روحانیون در انقلاب مشروطه اشاره‌ای در خور امر نمی‌کند.

در بررسی نقش روحانیت و مذهب در مبارزات ضد امپریالیستی، به جای تأکید روی این یا آن مورد مشخص که نشان دهنده ضعف یا اشتباه‌کاری از جانب برخی از روحانیون است، باید سمت و جهت گیری کلی این قشر را ملاحظه کرد. باید دید که آیا در مجموع روحانیت ایران موضع ضد استعماری و ضد استبدادی داشته است یا در کنار قدرتهای حاکم قرار گرفته است؟ آیا جزو دشمنان خلق بوده است یا دوسان خلق؟ آیا به صورت وسیله‌ای در دست امپریالیستها و حکومت‌های فاسد قرار گرفته و توجیه کننده اقدامات آنان شده و مردم را فریب داده و به سازش ترغیب کرده یا در کنار آنان مبارزه کرده و آنان را تشجیع و هدایت کرده است؟

به عقیده ما خصلت عمده روحانیت، خصلت مبارزه و پایداری بوده است. امیدواریم بتوانیم در آینده این موضوع را به طور وسیع تر و با بررسی موارد مشخص نشان دهیم.

بن روزه صحبت های زیادی راجع به کمبود و گرانی مواد مصرفی و اولیه، شورا، سود ویژه و پنجروز کار در هفته و غیره در میان کارگران است، نظر شما راجع به این مسائل چیست و شورای شما چه نظری دارد؟

ج - نظر ما نظر کارگران است، مانظری جدا از کارگران نداریم.

کارخانه ما که یکی از کارخانه های داروگر است در گذشته روزانه یک میلیون ریال سود می داد. در سابق سالانه سه ماه حقوق به عنوان سود ویژه بها می دادند. این حقوق حق ما بود، و امروز همه کارگران این سه ماه حقوق خود را می خواهند. کارگران درخواست کرده اند که یک ماه آنرا فعلا " باید پرداخت کنند، ما هم همین را می گوئیم.

مورد دیگر کمبود مواد اولیه که نوطه کشور های امپریالیستی است برای فشار آوردن بر دولت انقلابی. کشورهای امپریالیستی که مواد اولیه بها می دهند، مواد خود را چندین برابر بها گرانتر می فروشند. ما نفت خود را تا ششگای ۲۳ دلار می فروشیم ولی آنها اجناسی را که بها می فروشند چنان گران کرده اند که گوئی ما هیچ کاری نکرده ایم. عاقبت وابستگی اینه. س - نظرتان راجع به قانون شورای وزارت کار چیست؟

انجام دهد. ما این را همان روز رد کردیم. شورای ما بر تمام کارهای کارخانه باید نظارت داشته باشد. شورای ما حتی مسدود کردن کارخانه را هم اگر صلاح کارخانه نباشد عوض می کند.

س - راجع به ساعات کار در هفته نظر کارگران چیست؟

ج - کارگران می گویند پنج روز کار در هفته قانونی است. ما حاضریم ۶ روز یا هفت روز در هفته کار کنیم. اما بابت اضافه کار، اضافه حقوق می گیریم. ولی کارخانه چون حاضر به پرداخت اضافه حقوق نیست خود کارگران فعلا " در هفته پنج روز کار می کنند.

س - راجع به گرانی و کمبود مواد چه می گوئید؟

ج - ما فکر می کردیم بعد از انقلاب همه چیز خوب می شود. خب البته خوب خواهد شد. ولی فعلا " همه می گویند بدتر شده. خب درسته چیزهای مورد نیاز گرانتر شده، کمیاب شده، ولی همه اینها را که انقلاب یا خودش نیافریده. همه پولها را محمدرضا و نوکرهایش برده اند و از همه طرف هم بها فشار وارد می کنند. ما باید صبر داشته باشیم. با تمام قوا فعالیت کنیم، و با نیروی خود، شروع به سازسازی صنایع بکنیم تا از وابستگی نجات پیدا کنیم.

مبارز و رهبران انقلاب، در عین جلو بردن مبارزه ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم آمریکا، همچنان بر موضع اصلی انقلاب که مبارزه علیه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی است با فشاری می کنند و یاد آور می شوند که مبارزه با امپریالیسم آمریکا به معنای افتادن در دام امپریالیسم روسیه نیست. " پایگاه متشکل وسیع برای پیشبرد خط امام "، جبهه متحدی از مزدوران روسیه و مداراچویان با این امپریالیست نیست، این پایگاه، نوده های میلیونی و نیرو های استقلال طلب متشکل از سه نیروی اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی میباشد و در این اتحاد بزرگ ملی، برای انقیاد طلبان طرفدار شوروی یا آمریکا و افراد مدارا جو و سلیم طلب و منززل نسبت به این دو ابر قدرت در جایی نیست.

روسی نامه مردم، شماره ۹۰، دوشنبه ۲۱ آبان، برای " خط امام " دو خصالت: " ضد امپریالیستی " و " خلقی " را قائل می شود. باید دید که مفهوم " ضد امپریالیستی " در قاموس این دار و دسته به چه معناست؟ " امپریالیسم " به زعم این دار و دسته، یعنی فقط آمریکا ". بنابراین هر کس که " ضد آمریکا " باشد، " ضد امپریالیست " است! به نظر این دار و دسته، امام خمینی هم زمانی " ضد امپریالیست " است که فقط " ضد آمریکا " باشد! واقعیت چیست؟ واقعیت این است که موضع امام موضع استقلال طلبانه و ضد تمام امپریالیستهاست. امام همیشه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی را به عنوان دشمنان خلقهای

را ایجاد کنیم ولی بطلت شرکت کارگران شهرستانها، اداره کار گفت، چون شهرستان هم دعوت کرده اند این یک شورا است. ما نشستیم و شورا تشکیل دادیم به این ترتیب که ۲ نفر از شهرستان و ۱ نفر از رشت. در حال حاضر فعالیت ما باخاطر دفاع از منافع طبقه کارگراست. س - رابطه شما با اداره کار چگونه است و تاجه اندازه این اداره با شاهمکاری کرده است؟ ج - اداره کار که احتیاج به گفتن نیست چون همه از درش باخبرند حتی رفتیم و گفتیم که همکاران ما را اخراج کردند چرا کارشان رابه تاخیر می اندازید؟ گفتند " مادر درجه اول سعی میکنیم که کارگر با کار فرما سازش کند و او را بر سر کار بگرداند. " تا بحال چند نفر از کارگران چاپ اسلامی، یک نفر از چاپ نو، دو نفر از چاپ رشت و دو نفر از چاپ صومعه سر اخراج شده اند و هیچ اقدامی صورت نگرفته است. س - آیا ما به التفاوت حقوقتان را دریافت کرده اید و جقدر بوده است؟

ج - عرض بخصورتان ما به التفاوت در شهرستان رشت فقط در چاپخانه های بازار چاپ ریاضی پرداخت شده و حق اولاد، حق مسکن، حق خواربار را هم تنها این دو چاپخانه داده اند در چاپخانه ها هنوز اختلاف بین کارگرو کار فرما بر سر پرداخت این مبلغ موجود است و از جمله چاپ رشت که چندین بار هم به اداره کار رفته و حاضر به پرداخت نیست.

س - آیا کار فرما این دلایلی برای نپرداختن دارند؟ ج - دلایلشان اینست که کار نداریم، دروغ میگویند. تحقیق کردیم کار نسبت به سال ۵۷ بهتر است. آنها ادعا میکنند که ضرر می کنند. این هم دروغ محض است در سالهای گذشته به علت قیدی بودن ماشین ها، کارها انبار میشد. اما در حال حاضر ماشینهای اقسا سرجا کار را تمام کرده و کارها سریع تر پیش میروند و ماشینها همیشه برای انجام کارهای جدید آماده است و بطلت سرعت ماشین، وقت اضافی بوجود میآورد.

س - تا بحال چند کارگر را اخراج کرده اند؟ ج - چاپ اسلامی ۶ نفر، چاپ بازار روز نامداری تعطیل شده ۹ نفر را اخراج کرده. چاپ توپک

ما مورد حمله قرار داده اند. بنابراین حطور می تواند خط مستقل و ضد روسی امام در میان مزدوران روسیه پایگاهی داشته باشد؟ " جبهه متحد خلق " کیابوری، در خدمت تجزیه نیروهای اسلامی

" جبهه متحد خلق " دارو دسته کیابوری از چه نیروهائی سنگل می سود؟ بنا به اظهار خود کیابوری، این " جبهه " باید از " طرفداران سوسیالیسم علمی " یعنی افرادی از قماش خود او و دار و دسته کمینتد مرکزی و به طور کلی انقیاد طلبان طرفدار

باعث افزایش ناراحتی و بدبینی شدن کارگران نسبت به دولت است. در حال حاضر کار شورا افساء گری و بالا بردن آگاهی سیاسی کارگران و آشنا کردن آنها به حقوق خودشان است. کارگرانی که به وزارت کار شکایت می کنند، از طرف وزارت کار توجهی به آنان نمی شود، در مورد جلسات حل اختلاف اغلب کار فرماها نمی آیند و جلسه تا دهر زموق می ماند، تکلیف ما چیست در صورتیکه بعضی از کارگران زن و بچه دارند، حساب کنید اگر مدت ۶ ماه این کارگر اخراج شود تکلیفش چیست؟

س - شنیده ایم که شما برای مشکلات امور کارگری چاپخانه در قم به منزل امام رفته و دستخطی برای انجام کارهایتان آورده اید، لطفا " توضیح دهید به چه علت؟

ج - در مورد ناراضی های کارو مشکلات کارگران پیش امام رفتیم و دستخطی از امام گرفتیم و بعد از مدتی توانستیم با آقای احسان بخش تماس بگیریم. این نامه را به ایشان دادیم و نامه ای برای وزارت کار نوشتند که، الان هنوز هیچ چیز جز وعده وعید ندیدیم. نامه امام را به آقای خواجهنوری مدیرکل اداره کار داده ایم متاسفانه اداره کار هیچ اقدامی در مورد این نامه امام انجام نداده اند.

این خلاصه ای از مصاحبه ما با نماینده کارگران چاپخانه های رشت بود. کارگران از بی توجهی مسئولین و خود سربهای افراد مختلف و مشکلات فراوان دیگر رنج میبرند و خواهان بهبود شرایط کار و دیگر حقوق از دست رفته خود هستند.

افراد وابسته به رژیم سابق هنوز در بسیاری از محیط های کار و کارگری پاکسازی نشده اند و خود سرانه کلیه قوانین جمهوری اسلامی را زیر پا میگذارند و کارگران مبارز را اخراج میکنند. وجود عناصر باقیمانده از رژیم گذشته و قوانین دست و پاگیر اداری و عدم اجرای درست مسئولیت از طرف مسئولین دولتی، راه را برای اجحاف کار فرمایان باز میگذارد. دولت وارگانهای اجرائی آن باید در جهت بر آوردن خواسته های بحق کارگران مساعدت و یاری نمایند و کارگران آگاه سز با تشکل خود و وحدت خویش باید به مقابله با دشمنان طبقه کارگر و انقلاب اسلامی بشتابند.

شوروی، به اضافه " انقلابیهای زیر پرچم اسلام " که مطابق توضیحات کمیته مرکزی حزب توده یعنی افراد مدارا جو، تسلیم طلب و منززل نسبت به شوروی تشکیل بشود (روس نامه مردم، شماره ۶۳، پنجشنبه ۱۹ مهرماه). در ایس روز ها هم که مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما عمدتا علیه بوطنه های امپریالیسم چپاچوار آمریکا می باشد. این دار و دسته مجددا " جبهه " گذاشتی خود را مطرح می کنند تا افراد مدارا جو و تسلیم طلب و منززل نسبت به شوروی را به سوی خود جلب نمایند.

دیگر نمی خواهیم زیر بار یک دولت خارجی باشیم. می خواهیم ایران مال خودمان باشد و حتی اگر بیشتر از این سختی بکشیم و فقط بدانیم که دیگر دست خارجی را در ایران نمی بینیم، همه این سختی ها و ناراحتی ها را از جان و دل قبول می کنیم.

کارخانه کاشی و سرامیک حافظ (شیراز)

این کارخانه که در شهر شیراز واقع شده، دارای ۴۶۰ نفر کارگر است. تولید کارخانه در حدود ۱۷۰/۰۰۰ کاشی می باشد که مقداری از مواد اولیه آن را از خارج وارد می کنند. اخیرا تولید کاشی تقلیل یافته و به حدود ۴۰/۰۰۰ کاشی رسیده است و به علت نرسیدن مواد اولیه، ممکن است کارخانه تعطیل و کارگران اخراج گردند.

سرپرست این کارخانه یکی از اشخاص با نفوذ شیراز است. این شخص که دارای روحیه ای ضد کارگری است، ظلم و ستم فراوانی به کارگران روا می دارد. تا کنون چندین بار کارگران خواستار برکناری او شده اند، نه تنها موفق به این کار نشده اند بلکه، هر بار او چند نفر از کارگران را به اسم " اخلاکگر " از کارخانه اخراج کرده است. این سرپرست مخالف تشکل کارگران می باشد و می گوشت تا از تشکل سندیکا در این کارخانه جلو گیری کند، زیرا بوجود آمدن یک سندیکای کارگری، قدرت او را به خطر خواهد انداخت. این شخص، اخیرا ۴ نفر از کارگران زن و مرد مبارز را اخراج کرده است. کارگران برای بدست آوردن حقوق حقه خود و بیرون راندن این سرپرست ضد کارگر، به دیدار امام خمینی رفته اند، کارگران میگویند: این شخص از طرف افراد با نفوذ منطقه و یکی از کمیته ها، پیشنهادی می شود و مورد حمایت آنان است.

ما از مسئولین امور می خواهیم، ما برای بالا بردن روحیه انقلابی رزمندگان در راه ادامه انقلاب و خدمت به استقلال کشور، به خود سربهای این کوبه امراد صد کارگر کارگران سرب و رزمکنی ما را مورد ظلم و ستم نزار نرانداده اند! حادا با ما دهمد. در نس حال کارگران سیر باید بگوسد با اتحاد و یکپارچگی خود و دفاع و سیاسی از جمهوری اسلامی. ما اتحاد سندیکاهای سوراها را کارگری. مسکل سده و نظم کارخانه را به عهده گرفت و در اطراف سولید بگوسد.



رویدادهای جهان

۹۱ کشور جهان اشغالگران ویتنامی و اربابان روسی شان را محکوم کردند

قریب یک سال است که خاک کامبوج تحت اشغال مهاجمین ویتنامی و مستشاران نظامی روسی شان قرار دارد و ۲۰۰ هزار سرباز ویتنامی در این کشور مستقر شده‌اند و دار و دسته‌دست نشانده هنگ سامرین را در پنوم پن به عنوان دولت کامبوج به خلق این کشور تحمیل کرده‌اند. ولی به جز تعداد قلیلی از کشورهای جهان که خود بنوعی وابسته به سوسیال - امپریالیسم روس هستند، اکثریت عظیم ملل و کشورها تجاوز ویتنام را محکوم ننموده و خواستار خروج فوری قوای خارجی از کامبوج شده‌اند. در هفته گذشته مجمع عمومی سازمان ملل با اکثریت قابل توجهی یعنی ۹۱ رأی موافق در مقابل ۲۱ رأی مخالف، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند و خواستار خروج کلیه نیروهای نظامی خارجی از خاک کامبوج شد.

اخبار افغانستان

طبق اطلاع از دفتر " جمعیت اسلامی افغانستان " در تهران، مجاهدین افغانی در هفته‌ی گذشته به معدن ذغال سنگ واقع در فرمانداری کرخ در استان هرات حمله کردند. در این مبارزه ۲۰ نفر از طرفداران دولت وابسته به روس آمین کشته و عده‌ای از سربازان به مجاهدین می پیوندید. تعداد ۸۰۰ قبضه کلاشینکف ۶ تیر و ۱۱ تیر و مقدار زیادی فشنگ غنیمت این مبارزه علیه رژیم آمین بوده‌است.

طبق خبر همین منبع، هفته‌ی گذشته مجاهدین به فرمانداری اوئی در استان هرات حمله نموده ۳۰ نفر از مزدوران رژیم آمین را کشته، ۲۰ قبضه اسلحه و یک مسلسل سنگین را به غنیمت گرفتند. در این مبارزه ۲۷ نفر از سربازان رژیم آمین به مجاهدین پیوسته‌اند.

طبق اطلاع از دفتر " حرکت اسلامی افغانستان " در تهران، رژیم مزدور آمین با حمله فاشیستی خود و در پناه تعداد زیادی تانک و هواپیمای روسی، به فرمانداری " جانموری " حمله کرده و قصد باز پس گرفتن این بخش را داشتند که با مقاومت دلیرانه‌ی مردم و اعضای این سازمان مجبور به عقب نشینی شدند.

فرمانداری " جانموری " یکی از ۲۶ فرمانداری استان غزنین می باشد که آزادگشته و در کنترل " حرکت اسلامی افغانستان " در این استان می باشند. رهبری این بخش را سید بهشتی عهده دار است.

در ماه گذشته جنگ شدیدی در این فرمانداری به مدت ۱۲ روز بین نیروهای تره‌کی - آمین و مردم در می گیرد و رژیم با دادن تلفات سنگین و از دست دادن ۱۰ فروند توپ هاوان، ۲۰۰۰ قبضه مسلسل سبک و سنگین، ۱۶۰۰ تفنگ، ۲۲ ماشین جیب نظامی، ۱۸ تانک زرهی، دو دستگاه مخابرات و اسارت تعداد زیادی سرباز و مستشار روسی مجبور به عقب نشینی

خبر

مصاحبه با نماینده «جنبش آزادیبخش خلق اریتره» (۶)

جنبش خلق اریتره و انقلاب ایران

آخرین قسمت مصاحبه خیر نگار رنجبر با رفیق " عمد میکائیل کاهسای " مسئول روابط خارجی جبهه آزادی بخش خلق اریتره در اروپا

س - نظرتان راجع به انقلاب ایران چیست ؟

ج - ما طی اعلامیه مشترک "جبهه آزادی بخش خلق اریتره " و " جبهه آزادی بخش اریتره " اعلام نمودیم که سرنگونی رژیم شاه در درجه اول یک موفقیت بزرگ برای خلقهای ایران و همچنین تمام خلقهای منطقه و تمام خلقهای جهان سوم است. در زمان سرنگونی شاه من در کویت بودم یک کویته با زبان ساده واقعیت بزرگی را گفت او متذکر شد " ما ایمان آوردیم که اسلحه در مقابل یک خلق مصمم به حساب نمی آید "

ما همواره به دو دلیل جنبش مقاومت مردم ایران را دنبال کرده و می کنیم، اولاً به خاطر اینکه ما خود در حال مبارزه بوده و هستیم لذا تجربه مبارزات خلقهای دیگر برای ما بسیار با ارزش می باشد. ثانیاً به خاطر اینکه در مبارزات مردم ایران ما هم مستقیم شریک بودیم و شاه دشمن ما هم بود. زیرا رژیم او یکی از بزرگترین حامیان رژیم هایلا سلاسی در خفه نمودن خلق اریتره بود. کلیه کماندوهای دریائی اتیوپی در ایران تعلیم یافته بودند. بخش اعظم نیروی هوائی اتیوپی و هواپیماهایی مانند اف - ۵، کشور ما و مردم ما را بمباران می کردند و هنوز هم می کنند. این هواپیماها از ایران می آمدند نقشی را که رژیم شاه داشت، یعنی ژاندارمی امپریالیستهای امریکائی در خلیج و تمام منطقه موجب می شد که ما با دقت فراوان جنبش مقاومت مردم ایران را در نظر داشته باشیم سرنگونی رژیم شاه موفقیت بزرگی برای ما و تمام

کیم ایل سونگ:

وحدت کشورهای جهان سوم علیه امپریالیسم و سلطه جوئی

در روز شنبه ۲۲ آبان رایزن سفارت جمهوری دموکراتیک کره همراه با ۲ نفر دیپلمات جهت تشکر از درج مصاحبه با سفیر این کشور به مناسبت سی و چهارمین سالگرد حزب کارگران کره که در " رنجبر ۳۳ " به چاپ رسیده بود، به دفتر رنجبر مراجعه نمودند. ایشان ضمناً جزوه با اهمیتی از رفیق کیم ایل سونگ رهبر خلق کره درباره امپریالیسم و سلطه جوئی به دفتر روزنامه هدیه نمودند. در این جزوه

مأ این است که وحدت نیروهای انقلابی را جامعه عمل ببوشانند و این انقلاب را به یک مرحله پیشرفته تر ارتقا دهند و یک کشور دموکراتیک و مردمی به مفهوم واقعی بنا نمایند.

همان طور که گفتیم، مبارزه ما شرایط بخصوصی دارد. جنبش آزادی بخش ما از یک طرف مورد تهاجم رژیم اتیوپی است که از طرف روسها حمایت می شود و از طرف دیگر مواجه با مانورهای امپریالیسم امریکا و متحدینش مانند عربستان سعودی و ... هست که سعی مینمایند جنبش را در هم بکوبند تا منافعشان چه در اریتره و چه در اتیوپی حفظ گردد. کمک های مادی که به ما (جبهه آزادی بخش خلق اریتره) می شود بسیار محدود است. از مردم ایران انتظار داریم که همبستگی خود را با ما ابزار داشته و در حد قدرت و امکاناتشان از نظر مادی، بخصوص در زمینه انسانی به ما کمک کنند.

در زمینه تسلیحات " جبهه آزادی بخش خلق اریتره " احتیاجات خود را از همان سلاحهای دشمن، از ابر قدرت شوروی و از طریق رژیم اتیوپی تأمین می نماید. یعنی با حمله به مراکز رژیم و یا شکست ارتش اتیوپی اسلحه‌ی روسی به دست می آورد. ما هم اکنون حدود ۸۰ تانک و ۳۴ و ۵۴ و مقدار زیادی زره پوش روسی داریم.

مسأله‌ی بسیار بزرگ خلق اریتره امروز وضع زندگی مردم است که توسط تهاجمات رژیم اتیوپی و پشتیبانی روسها صدمه بسیار دیده و به همین جهت وقتی می گویم کمک انسانی، مردم جهان و به ویژه مردم ایران خوب می دانند که چه معنی می دهد. فقر و ترور و خفقان، شرایط سختی را برای مردم ما بوجود آورده است. لذا کمک های مادی مردم آزاده جهان کمک بزرگ انسانی به ما خواهد بود.

مبارزات ارزشمند

مسئولین کنفدراسیون افزودند که هیئت دبیران مسئول کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی (سیس) در آمریکا تاکنون نزدیک به ۱۰ جلسه مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داده‌اند و در آن خواسته‌های مردم ایران و ماهیت و هدفهای مبارزات دانشجویان را توضیح داده‌اند.

در کشورهای اروپائی و همچنین در هند و فیلیپین نیز دانشجویان مبارز ایرانی با دست زدن به تظاهرات و روزه سیاسی همبستگی خود را با مبارزات برحق مردم ستمدیده ایران اعلام کرده‌اند. این دانشجویان در روزهای اخیر در بسیاری کشورهایاز جمله فرانسه، ایتالیا، آلمان، ترکیه و ... دست به تظاهرات زده‌اند و در درگیریها، زخمی‌های چندی بجا گذاشته‌اند. مثلاً در ایتالیا در یک تظاهرات که منجر به زدو خورد با پلیس شد ۴۰ دانشجوی مبارز ایرانی دستگیر شدند.

و سیبسی... در چسب می رزمی بس و مبارزات مسلح ضد امپریالیست را دارد ، هوشیاری خود را حفظ نموده و با آن به مقابله بر خیزند .

اخبار کوتاه

" کمک " های کوبا به نیکاراگوئه

کوبا قصد دارد ۲۰۰ معلم و چند صد پزشک به نیکاراگوئه اعزام دارد . آنها تعلیمات خاصی را دیده‌اند و قسمتی از برنامه‌ی " کمکی " کوبا را تشکیل می دهند . منابعی در هاوانا اعلام کرده‌اند که کوبا کمک‌های مشابهی نیز در اختیار انیبوی و ویتنام قرار داده است . می دانیم که گسترش همین نوع به اصطلاح " کمک ها " بود که به اعزام مستشار و کارشناس و بالاخره سرباز کوبایی و روسی به انیبوی و ویتنام و وابستگی کامل آنها به شوروی و تجاوز و لشکر کشی‌های آنها منجر شد .

بازار مسرک اسلامی

در یک سمینور بین المللی در مکه ، ایجاد " بازار مشترک اسلامی " توصیه شد . هدف از ایجاد این بازار ، دستیابی جهان اسلام بخودکفائی است . ایجاد چنین " بازار مشترکی " را باید یک اقدام مثبت در جهت نزدیکی بخشی از کشورهای جهان سوم و فاصله گرفتن از وابستگی به کشورهای امپریالیستی تلقی نمود .

سفیر جدید شوروی در افغانستان

خبر گزاری تاس گزارش داد " فیکریات - ای - تاسیف " که یک سیاستمدار کار کشته ی ۵۱ ساله است به عنوان سفیر شوروی در افغانستان منصوب شد . سفیر جدید ، سابقا رهبر حزب جمهوری " تانار " در شوروی و معاون رئیس کمیته‌ی همبستگی شوروی با کشورهای آسیایی و آفریقایی و استاد یار رشته‌ی اقتصاد بوده است . در شرایط بحرانی که انقلاب افغانستان حکومت دار و دسته‌ی وابسته‌ی امین را غیر ممکن کرده ، برای نظارت و رهبری تهاجم وسیعی که هم اکنون ارتش مزدور افغانستان و ۲۰ گردان سرباز روسی بر علیه آزادیخواهان این کشور آغاز نموده‌اند ، بدون شک انتصاب شخصیت چنین " کار کشته‌ای " ضروری می باشد !

نفت

ژوزف کلارک نخست وزیر کانادا اعلام کرد در مقابل قطع خرید نفت از ایران توسط امریکا ، کانادا در نظر ندارد نفت بیشتری به امریکا بدهد . ونزوئلا نیز میزان نفت صادراتی به امریکا را افزایش نخواهد داد . ایالات متحده گفته است ، می تواند بدون دریافت روزانه

دو دستگاه مخابرات و اسارت تعداد زیادی سرباز و مستشار روسی مجبور به عقب نشینی می گردد .

۷۰۰/۰۰۰ بشکه نفت از ایران سرکنند لکن سرانجام مجبور خواهد شد این کمبود را از دیگر منابع تامین سازد .

در بازار آزاد روتر دام ، هر بشکه تقریبا دو برابر قیمت رسمی اوپک و در حدود ۴۰ دلار به فروش می رود . در صورت تحریم و چنانچه خریداران امریکائی به بازار آزاد رو کنند ، قیمت‌ها برای اروپای غربی بسیار گران تمام خواهد شد و شاهد رشد صعودی قیمت نفت خواهیم بود .

زاین که بعد از امریکا بزرگترین وارد کننده‌ی نفت در جهان است ۱۲٪ احتیاجات نفتی خود را از ایران تامین می کند . بنابراین در مناقشه‌ی ایران و امریکا نمی تواند فعالانسه با امریکا همکاری کند و به مخالفت با ایران بر خیزد .

مقامات مکزیکی نیز اظهار داشتند که مکزیکی نمی تواند خلاصی ناشی از تصمیم کارتر مبنی بر عدم خرید نفت ایران را جبران کند زیرا تمام تولید نفت این کشور تا سال ۱۹۸۰ فروخته شده است .

یک سخنگوی وزارت اقتصاد آلمان پدهال گفت : امریکا از دولت فدرال نخواسته است واردات نفتی خود را از ایران کاهش دهد و حتی انتظار جنس گاری را هم ندارد . در نتیجه این کشور هم در بحریم نفتی ایران سرک نخواهد کرد .

ک . ک . ب . برای انسحاب در جنبش خلقی افغانستان تلاش می کند

در آوریل گذشته دفتر کار یک دیپلمات روسی به نام واسیلی سافرون چاک ، که در گذشته همکاری نزدیکی با کا . گ . ب داشته به مقر ریاست جمهوری افغانستان در کابل منتقل شده است . به نظر می رسد این شخص را برای پیدا کردن راه حل سیاسی به افغانستان گسیل داشته‌اند .

اخیرا برهان الدین ربانی صدر " جمعیت اسلامی افغانستان " اظهار داشته است زمانی که او در هندوستان بوده به او پیشنهاد ایجاد یک " دولت اتحاد ملی " بدون ترهکی و بسا شرکت طرفداران روس و مسلمانان داده‌اند .

ربانی متذکر شد که تمام گروههای مبارز مظلومنا این گونه پیشنهادات را رد می کنند و مبارزه مسلحانه تا بیرون راندن تمام مشاوران روسی و سقوط رژیم وابسته باید ادامه داشته باشد . مسلمانان روسها از چنین تاکتیکهای انشعاب گرانه که یک شیوه قدیمی امپریالیستی است ، برای سرکوب جنبشها باز هم استفاده خواهند نمود .

خلق کره درباره امپریالیسم و سلطه جوئی به دفتر روزنامه هدیه نمودند . در این جزوه می خوانیم :

" سلطه جوئی از یکسو بدین معنی است که بدون هیچگونه ابائی ، آشکارا کشورهای دیگر را مستعمره کرده ... و از سوی دیگر به طرق و شیوه‌های مودیانانه و حیلله گرانه ممالک دیگر را زیر یوغ خود در آورده و آنها را برده خود می کند ... به طور خلاصه کلیه کشورهایی که می‌کوشند دیگران را کنترل کنند متعلق به نیروی جهانی سلطه جوئی می باشند ... هر گونه کنترل یک کشور وسیله کشور دیگر چه پنهانی و چه آشکار سلطه جوئی است . کلیه ممالک کشورهای

بیانیه...

کمونیستی ایران ارزیابی کردیم ؟ ما میگوئیم معیارها ، پراتیک و حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون بود . می رسید این پراتیک کدام بود ؟ ما میگوئیم تجربه طولانی خود ما در عرضه مبارزه فعال سیاسی در طی ۸ سال . ما خود در دورانی نسبتا " طولانی بطور مشخص از سال ۱۳۵۰ تا اواخر ۵۵ دچار انحراف می چریکی بودیم . تجربیات رفقای ما در زندان و به بن بست رسیدن مشی چریکی در سالهای ۵۵ - ۵۶ ما را بطرف کار سیاسی - تشکیلاتی کشاند . پر واضح بود که ابتدا درک ما در این زمینه بسیار نازل بود اما با فراز و نشیب‌های بسیار باهمان درک نازل ، کار خود را دنبال کردیم .

جنبش توفنده خلقهای میهنمان در سال ۵۷ درک ما از کار سیاسی بالا برد و همچنین شرایط نوین دوران انقلاب و بعد از انقلاب باعث شد که ما ، مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون را بهتر بفهمیم . ما بعد از انقلاب در برابر مسائل بی شماری قرار گرفتیم . در زمینه سیاست ، تشکیلات ، ایدئولوژی و غیره ، ضعف خود را در عدم پاسخگوئی باین مشکلات دیدیم .

درک نازل ما از مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون باعث بروز انحرافات رویزیونیستی و تروتسکیستی در گروه شد و ما خود این را تجربه کردیم . استحاله " آخگر " به سه بخش معلول ، درک بائین از مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون از یکسو و مبارزه ایدئولوژیک با همین انحرافات از سوی دیگر بود . سیر حوادث نشان داد که بین ایدئولوژی پرولتری که مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون باشد و ایدئولوژی بورژوازی ، ایدئولوژی میانه‌ای وجود ندارد . ما در کنار خود سردرگمی ، النقاط ، سنت و پراکندگی ، سکتاریسم و گروه گرایی را به عیان دیدیم . در نتیجه نتوانستیم قبول کنیم تروتسکیسم ، رویزیونیسم و انواع ایدئولوژیهای ضد مارکسیستی ، خود را بجای مارکسیسم جا بزنند .

ما قاطعانه آنهائی را که ادعای حزب سیاسی طبقه کارگر را نمودند و درکی از اوضاع داخلی و بین المللی نداشتند رد نمودیم . ما نمیتوانستیم مرکز جنبش کمونیستی را کسانی بدانیم که سوسیال امپریالیسم روسیه و عوامل آن ، دارو دسته کیانوری را دشمن خلق ما نمیدانند . ما جنبش کمونیستی و نمایندگانش را کسانی میدیدیم که تحلیل مشخص از اوضاع مشخص دارند ، برنامه اصولیت و پاکیزگی در اندیشه دارند . به درک این مساله در طول این چند ماه رسیدیم که باید با کسانی متحد شد که ستاره‌ی راهنماییشان اندیشه‌های جاودان مارکس - انگلس - لنین - استالین و رفیق مائوتسه دون است .

رفقای ما در بخش تهران و مشهد با روشن شدن وضع سازمانهای با اصطلاح چپ و انحرافات آنها در زمینه ایدئولوژی ، سیاست و تشکیلات ، به کمیته تدارک ایجاد حزب پیوستند . درک مشترک ما از اوضاع داخلی و بین المللی ، جریان وحدت با کمیته تدارک را تسریع نمود . ما در پراتیک ، روحیه وحدت طلبی و مشی روشن سیاسی - ایدئولوژیک ، مرز بندی قاطع بین رویزیونیسم مدرن و مارکسیسم لنینیسم و مبارزه قاطع با آنرا دیدیم . ما احساس مسئولیت در قبال طبقه کارگر در امر مهم ایجاد حزب را دیدیم و اعتقاد راسخ پیدا کردیم که کمیته ایجاد حزب به حق است و باید با آن متحد شد ، تقویتش کرد و امر آنرا با تمام نیرو به پیش برد .

این بود آن راهی که ما را به کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست کشاند . موفق باد کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران - زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون بیستم آبان ماه ۱۳۵۸

زد و خورد با پلیس شد ۴۰ دانشجوی مبارز ایرانی دستگیر شدند . احساسات امریکائیان

بسیاری از سازمانها و محافل مترقی اروپائی و امریکائی پشتیبانی خود را از مبارزات استقلال طلبانه ملت ایران و نیز دانشجویان مبارز ایرانی اعلام داشته‌اند . بویژه در امریکا حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) این کشور پشتیبانی قاطع خود را از انقلاب اسلامی ایران و مبارزات حق طلبانه ملت ما علیه دوا بر قدرت امریکا و روسیه اعلام کرده است ، این حزب در این مدت با تشکیل جلسات و تظاهرات متعددی در شهرهای مختلف امریکا به افشاکری توطئه‌های امریکا و دفاع از خواسته‌های ملت ایران و دانشجویان مبارز ایرانی پرداخته است .

اما دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا چنان تبلیغات کثیفی را علیه انقلاب اسلامی ایران براه انداخته‌اند که باعث شده بسیاری گروهها و دستجات عمدتا " وابسته به اف - بی آی و سازمان پلیس سراسر امریکا دست به مقابله با دانشجویان ایرانی بزنند مثلا " چند روز پیش که دانشجویان ایرانی جلسهای در برکلیسی (کالیفرنیا) تشکیل می دهند ، عده‌ای امریکائی مسلح جلوی در سالن بزور از ورود دانشجویان ایرانی جلوگیری میکنند . عده‌ای از مردم امریکا هم تحت تاثیر تبلیغات امپریالیستی شروع به بیرون کردن دانشجویان ایرانی از منازل خود که در اجاره دانشجویان است ، کرده‌اند .

دستجات اف . بی آی در لباس ملت آمریکا شروع به کتک زدن دانشجویان ایرانی کرده‌اند . عده‌ای از همین افراد در شیکاگو به خانه ایران حمله کرده و آنجا را خراب کردند . بسیاری از مرتجعین کنگره آمریکا از جمله گلدواتر معتقدند که دانشجویان مبارز ایرانی باید از خاک آمریکا اخراج شوند .

دانشجویان مبارز ایرانی در دو جنبه می جنگند . در فضای خارج کشور ، صفوف ایرانیان به اندازه کافی متشکل نیست بجز انجمنهای اسلامی و کنفدراسیون جهانی (سیس) که از امام خمینی و مبارزات مردم ایران پشتیبانی میکنند بقیه گروههای دانشجویی از جمله گروههای هوادار چریکهای فدائی و هواداران " اتحادیه کمونیستها " و سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " بعثت خط مشی سیاسی نا درست خود در مبارزه با جمهوری اسلامی عملا " با طرفداران شاپور بختیار هم صدا شده و بایه سکوت نشستند و حتی در بعضی موارد دست به تخریب و اخلال در مبارزات دانشجویان میهن پرست ایرانی میزنند .

امروزه که دانشجویان مبارز ایرانی فضای اروپا و امریکا را بشدت تحت تاثیر مبارزات ضد امپریالیسم آمریکا قرار داده‌اند بیش از هر وقت دیگر ، دوستان واقعی انقلاب ایران شناخته می شوند .

از روستاها و عشایر فارس

جل " بیفتند ؟
در این بخش کوشش ما این است که از طریق گزارش هایی واقعیت های موجود در روستاها و عشایر فارس و عمق فقر و ستمدیدگی و نا بسامانیهای آنها را نشان دهیم و مبارزات و کوشش های دهقانان و دیگر زحمتکشان را منعکس کنیم . در عین حال میخواهیم مسئولین امور را در جریان مسائل این منطقه و اقداماتی که باید انجام گیرد قرار دهیم .
این گزارشها را به تدریج در چند شماره رنجبر به چاپ می رسانیم .
ما خود می دانیم که کارمان بسیار ناقص است و حتما قادر نیستیم ابعاد فقر و ستم طبقاتی موجود در روستاها و عشایر فارس را به طور کامل نشان دهیم . از این رو دستمان را به سوی جوانان روستائی و عشایری دراز می کنیم تا به ما کمک کنند و همانطور که مشکلات را با گوشت و پوست خود حس می کنند ، برای ما بنویسند .

اینکه کوچکترین امکانات رفاهی همراه آنها کوچ کند .
وجود فتودال ها و خان های مستبد و همچنین وجود تعدادی از عوامل رژیم سابق و ساواک در میان عشایر ، که دست نخورده باقی مانده اند ، همه و همه فقر و ستم شدیدی را برای زحمتکشان عشایر به ارمغان آورده است .
به علت وجود مجموعه این تضادها و مسائل و مشکلات ناشی از آن ، در این منطقه یک حالت انفجاری موجود است . عشایر این منطقه آماده اند تا بسیج و متشکل شوند و با نیروی خود مسائل و مشکلات را حل کنند و تغییرات انقلابی به نفع توده های تحت ستم بوجود آورند . آیا دولت ملی و مسئولین امور به فکر آنها هستند و می خواهند کمک کنند تا عشایر دز جهت احقاق حقوق خود و حل مشکلات با نظم انقلابی به پیش روند ؟ یا منتظرند کردستان دیگری این بار در فارس و در میان عشایر بوجود آید و آنگاه به فکر " راه

مقدمه
ستم طبقاتی در روستاها بیداد میکند . مشکل زمین ، آب ، بهداشت ، برق و بیسوادی و ستم چند لایه نمونه هایی از مشکلات موجود در روستاهاست .
روستاها فارس یک ویژه گی نیز دارد و آن وجود نزدیک به یک میلیون نفر از عشایر در منطقه است که علاوه بر مجموع نا بسامانیهای ذکر شده ، از مسئله وجود روابط ایلی و عشیره ای نیز که شدیداً بر دوش آنها سنگینی می کند ، رنج می برند .
به علت حساس بودن وضعیت عشایر به جرات می توان گفت که رژیم طاغوت بیشترین ستم ها و سرکوبها را در حق آنان روا داشته است .
عشایر ستمدیده و زحمتکش ما نه ماوائی دارند و نه سکنائی . شب و روز نمی شناسند از منطقه ای به منطقه ای دیگر کوچ می کنند بدون



نامه ای از روستای «سقر تپه» ترکمن صحرا

پروزی دهقانان
نفت شهر کرمانشاه

آقای غفور میرزا علی گزارشی از روستای سقر تپه ترکمن صحرا فرستاده که در آن مسائل و مشکلات روستای خود را مطرح نمود . خلاصه گزارش این خواننده گرامی را در اینجا می آوریم .

روستای ما در ۱۲ کیلومتری شمال آق قلا (پهلوی در سابق) قرار دارد . جمعیت این روستا در حدود ۸۰ خانوار است که اکثر آن ترکمن می باشند .

کار اصلی روستائیان کشاورزی گندم و جو و پرورش دام است . زمین های ده نا مرغوبند و بیست هکتار زمین به اندازه ۳ هکتار هم محصول نمی دهد . از طرفی زمین ها آب ندارند . جاده عبوری ده خاکی است و در زمستان عبور غیر ممکن می شود .

حدود دو سال قبل در این روستا لوله کشی آب شده اما منبع آب رو باز است و انواع حشرات ، قورباغه و سایر موجودات در آب موجود است . به همین علت اهالی به امراض مختلف دچارند .

یکسال است که ۵۶ هزار تومان برای برق پرداخت کرده ایم اما هنوز از برق خبری نیست . مدرسه چهار کلاسه ده اغلب آموزگار ندارد . حالا فکر کنید که چگونه دانش آموزان می توانند ، با سواد بشوند .

مراعات روستا خیلی کم است به همین دلیل دام ها کاهش یافته اند . دو نفر اعضای شورای خلق ترکمن سقر تپه تاج محمد کر و عزاز قلیچ آخوند خطیبی از معتقدین محل هستند که از زمان طاغوت تا کنون برای بدست آوردن مراعات بیشتر کوشش می کنند . آنها برای سایر نیازهای روستا هم زحمت می کشند .

نیازهای مهم روستای ما آب ، برق ، جاده مدرسه ، حمام و درمانگاه است .

دوست عزیز ما در خاتمه گزارش خود خواهان رسیدگی فوری دولت مرکزی به خواسته های رفاهی و فرستادن هیات ۵ نفره به آنجا و برگرداندن زمین های غصب شده به صاحبان اصلی آنها شده است .

۱- روستای مبارک آباد

نداشتن امکانات و ترس از فتودالها باعث فرار از کشاورزی می شود

یکصد و پنجاه هزار تومان پول جمع کرده و با فرمانداری فیروزآباد تماس گرفته اند که بقیه مخارجش را دولت تامین کند ولی مقامات دولتی گفته اند که تا سال آینده صبر کنید و مردم که نا امید شده اند پول هایشان را پس گرفته اند .
در حالیکه تمام روابط و مناسبات اقتصادی این روستا با جهرم است (۳۰ کیلومتر فاصله) ، ولی از نظر اداری باید از طریق فیروزآباد (حدود ۱۵۰ کیلومتری) مسائلشان را حل و فصل کنند .

از ۲۰۰ خانواری که زراعت میکنند هر کدام ۳۰۰ دیم می کارند . بعضی از زارعین که کمی وضعیتان بهتر بوده تلمبه نصب کرده اند ولی بعداً بعضی از آنها بعلت نداشتن امکانات مالی تلمبه را به بعضی از اهالی شهر جهرم که امکانات مالی دارند فروخته اند . بعضی ها نیز به آنها اجاره داده اند . بزبان دیگر روستائیان دائماً محل خود را ترک کرده و عازم شهر می شوند و شهر نشینانی که وضع مالی شان اجازه میدهد ، امکانات روستا را در اختیار خود می گیرند . این در حالی است که ما بیش از هر زمان دیگر به رشد کشاورزی این دهقانان نیاز داریم .

دولت باید با وجود آوردن امکانات ، نه تنها مانع کوچ کردن روستائیان به شهرها شود بلکه حتی روستائیان را که به شهرها کوچ کرده اند به روستا بازگرداند و این کار تنها از طریق فراهم آوردن امکانات مالی و رفاهی برای روستائیان ممکن خواهد بود .

دستان خارج کنند . البته عامل سوم بدون دلیل نیست چرا که جدیداً از طرف آقای آیت الهی نامهای به محل فرستاده شده که دست به مراعات نزدیک چرا که به صاحبان اصلی اش (یعنی خانها) بخواهند گشت . علاوه بر این شروع به حفر تعدادی چاه نمودند ولی وسط کسار ول کرده اند که در واقع می خواستند هشداری بدهند که به آنها باز خواهند گشت .

روستا یک حمام دارد ولی چون در سابق یک بار آن را زلزله خراب کرده و تعدادی در داخل حمام کشته شده اند مردم وحشت دارند از آن استفاده کنند و اکنون باید این حمام تعمیر شود بطوریکه آسیب ناپذیر و متناسب با منطقه زلزله خیز باشد . در حال حاضر در این روستا مسجدی با سرمایه ۲۰۰ هزار تومان ساخته می شود که دفتر حزب جمهوری اسلامی هم هست .

این روستا در عین حال محل گذر عشایر کوروشی و سولی است . از اینرو یک انبار جو از سابق دارد که سهمیه جو عشایر را در آن نگهداری میکنند . به این عشایر ۱۲۰ تن جو داده می شود و خودشان میگویند که حداقل به ۲۴۰ تن جو احتیاج دارند . مردم برای لوله کشی آب واحداث برق

این روستا تقریباً در ۳۰ کیلومتری جهرم بطرف قیر قرار دارد . نزدیک به ۴۰۰ خانوار روستائی در آن زندگی میکنند . تقریباً ۲۷۰ خانواده به کشاورزی مشغول اند و حدود ۱۰۰ خانوار از طریق دامداری امرار معاش میکنند . بقیه نیز مفازه داران و بیلهوران روستا هستند . روستا فاقد آب و برق بوده و هیچگونه امکانات بهداشتی و درمانی ندارد .

علاوه بر همه مشکلات ، واسطه ها آنها را بیچاره کرده اند . آنچه که اهالی روستا در عرض سال از طریق مشقت و رنج فراوان ، در چنان محیطی که ابتدائی ترین وسایل زندگی موجود نیست بدست می آورند ، از طریق واسطه ها به غارت می رود .

تعدادی از زارعین شروع به فروش زمین های خود کرده اند زمین هایی که در زمان اصلاحات ارضی گیرشان آمده بود . علت را اینطور توضیح میدهند که اولاً " امکان مالی برای زراعت ندارند . ثانیاً " آنها نمی توانند که زراعت میکنند زیر بار قرض واسطه ها و ربا خوارها قادر به امرار معاش نیستند . ثالثاً " اکنون که خانها برگشته اند ، ترس از این دارند که زمین ها را دوباره از

سفری به مناطق ...

خیلی زیاد آمده و ما برایشان جا نداریم . از روی برنامه ای هم نمی آیند . الان چادر و چراغ کم داریم . این مناطق به خانه خیلی احتیاج

و یا باید ترک موتور بنشینم شوبه قائن ببریم .
ده استند :
۱۰۷ خانه هستند ، خا... هستند ،

و در هر دهی چند نفر را به نمایندگی میگذارند که عمده کارها را بر نظر شورای مرکب از نمایندگان روستائیان و مسئولین کمک کننده باشند . ما خواست کمک مسئولین و تمام کمک کننده ها را که خواستی انسانی و درست است نفی نمیکنیم

مشکلات گوسفندداران اصطهبانات (فارس)

خطری جدید تمام گوسفندداران اصطهبانات (فارس) را تهدید می‌کند.

بیش از یک ماه است که دعوا و درگیری بین دو طرف از مردم زحمتکشی شهرستان اصطهبانات دامن زده شده است. در یک طرف عده‌ای از مردم اند که با زحمت فراوان درکوه و دشت، انجیرستان بوجود آورده‌اند و طرف دیگر دامدارانی هستند که از این طریق امرار معاش می‌کنند.

بیش از صد سال است که بعد از پایان فصل انجیر، دام داران اجازه داشتند از علوفه‌ای که زیر درختان انجیر می‌روید، استفاده کنند. این تنها راه تغذیه گوسفندان این منطقه است و تا سال پیش هم هیچگونه اختلافی، حداقل اختلاف شدیدی، بین آنها وجود نداشت و خودسای اختلافات جزئی را بدون درگیری حل می‌کردند.

ولی سناستاده در ماه گذشته این توافق نسبی توسط صاحبان انجیر زیر پا گذاشته شد.

زیرا این مساله که ورود گوسفندان به انجیرستان باعث نابودی انجیرستان می‌شود توسط عده‌ای مغرض مطرح شده است.

مردم خود خوب می‌فهمند همانطور که در عرض ۱۰۰ سال گذشته انجیرستان نابود نشده، در حال حاضر هم نخواهد شد.

متاسفانه در هفته گذشته سیاه پاسداران بدون توجه به دروغین و کاذب بودن این مسئله جدید، در اثر تحریک عده‌ای از صاحبان انجیرستان دست به دستگیری عده‌ای از دام داران زد و این عمل نا درست سیاه پاسداران باعث درگیری‌های جدیدی در منطقه بین دام داران و صاحبان انجیرستان شده و ادامه این نوع دخالت‌های یک جانبه باعث ادامه درگیری‌ها خواهد شد.

ما امیدواریم که مردم زحمتکش این منطقه اختلافات جزئی را کنار گذاشته و چون گذشته مشکلات را با کمک یکدیگر حل کنند و اجازه ندهند مستی آسوب طلب و فتنه انگیز در بین صفوف خلق اغتشاش نمایند.

میدانیم که با کمک شما، صدها خبرنگار از میان توده‌ها در سراسر ایران و صدها فروشنده نیز، کار تهیه و پخش "رنجبر" را بدستهای توانای خویش بگیرند. چه ما معتقدیم زمانی موفق خواهیم شد که فاصله‌ی میان "آنها که می‌نویسند" با "آنها که می‌خوانند" از میان برداشته شود.

به استقبال سه شماره

مبارزه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی شرکت مبارزات توده‌ی مردم، در پیشاپیش آنها و در خدمت امر آدامی انقلاب باشد.

۲- پخش وسیع "رنجبر" تنها با اتکاء به خوانندگان و توده‌های وسیع امکان پذیر است. "رنجبر" را در محل زندگی و کار خود بفروش برسانید و حتی می‌توانید سیستم آبونمان محلی خود را بوجود آورید.

به استقبال سه شماره "رنجبر" در هفته میرویم و موفقیت در این امر را مشروط بر این

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

بانک ملی ایران
تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸
کمکهای خود را
به حساب بانکی زیروار نیز نمائید:

حینی زید آمده و ما برپسین جا داوریم. روی برنامه‌های هم نمی‌آیند. الان جادر و چراغ کم داریم. این مناطق به خانه خیلی احتیاج دارند. علت عده‌ای این همه گشته‌هم این است که خانه‌های این روستاها گلی است. خرابی‌ها در استند، گرماب، فندخت، کروزو و تیگای و اسفند خیلی بیشتر بوده است. بعضی از قناتهای اینجا به لایروبی احتیاج دارند. این جا سرویس بزشکی هم ندارند.

۹۳ خانوار در این ده زندگی می‌کنند، عمدتاً دامداری و کشاورزی می‌کنند (بیشتر زعفران و کمی گندم). خانه‌ها در این منطقه ترک خورده است و برای سکونت جای امنی نیستند. حمام گرماب خراب شده است.

۶ هزار گوسفند در این ده وجود دارد. آب در این منطقه کم است و اگر باران نیاید وضع خرابتر می‌شود. با کدخدای ده گرماب صحبت کردیم. کدخدای گفت:

ما اینجا ۹۳ خانوار هستیم. صبح زود زلزله آمد بیشتر مردم در خانه‌هایشان بودند. بعضی‌ها هم برای چیدن زعفران به سرزمینهایشان و عده‌ای هم برای جرادندن گوسفندها به اطراف ده رفته بودند.

زاندار صری ساعت ۸ به محل رسیده بود. خانه‌ها عمدتاً ترک خورده است مردم جرئت نمی‌کنند دوباره در آنها زندگی کنند. نوسازی باید از این جا شروع بشود. الان حمام خراب شده است. بهترین کمک دولت و رهبر عالیقدر که به مستضعفین نظر دارند مسئله علوفه است. ما اینجا ۶ هزار گوسفند داریم. گاو زیاد نداریم به دامهایمان آسیب نرسیده جز چندراس که به بیابانها فرار کردند. الان زمستان نزدیک است و ما علوفه نداریم. چیزهایی که مردم احتیاج دارند چادر، سوخت و پتو است.

با چند پیرمرد که با پای پیاده از ۲ فرسنگ راه به گرماب آمده بودند صحبت کردیم می‌گفتند: ماهیچ چیز نمی‌خواهیم جز چادر. هیچکس بما نمی‌رسد. بار سال هم به ما جبری ندادند. خانه‌های ما ترک برداشته‌اند. ما اجرات نداریم بریم داخل. ما اونجا مالداریم رراعنی نداریم ولی اجناس ما خیلی گرونه ما نفت را

حینی ۱۵ نومان، فندرا کیلویی ۱۸ نومان و جای را کیلویی ۷۰ نومان محرم. آخر سال هم موقع محرم یک روحانی میاد که ۲ هزار نومان نقد برایش جمع می‌کسم و دو هزار نومان هم روغن حیوانی میدم و یک عالمه هم جنس. همان چیزی که درمی‌آرم حسی دسمان را نمی‌گیره. طرفهای ما حاده حلی حراند برای همس هم کسی به او نظر نمی‌آید و سری نمی‌رسد. مکه ما بروسی سسم. یکد ما سلمون سسم. ما اگر اونجا کسی سو برح سما ناند دناکمه طور رسد

۱۰۷ خانوار هستند، خرابی بیشتر در این ده بوده است. استند در دامنه کوه واقع شده است و بیشتر دامداری و کشاورزی (زعفران و کمی گندم) در این منطقه رایج است. یک قنات داشت که خیلی خوب بود زمستان آبش گرم و تابستان سرد بود ولی در اثر زلزله خشک شده است. خانه هادراستندگلی است. بعضی از خانه‌ها دوطبقه هستند. کوجه‌ها بسیار باریک هستند و درد بستان آنجا تا کلاس پنجم تدریس میشد که در اثر زلزله خراب شده حدوداً ۷۱ نفر در آنجا کشته شده‌اند.

بایکی از اهالی استند بنام آقای محمد علی عاشوری صحبت کردیم، او می‌گفت: "من قصد مسافرت داشتم در خانه خواب بودم زلزله ساعت ۵ شروع شد، چهار تا بچه و همسر را به صحن حیاط کشیدم، چهار تا هم برادر دارم که در منزل نبودند پدرم که پیر مرد بود وقتی توی صحن منزل آمد طبقه دوم ریزش کرد و کشته شد. چند دستگاه قالی باقی داشتم که زیر آوار رفت اینجا دیگه خانه‌ی قابل استفاده‌ای باقی نمانده."

با آقای عباس اسما عیلی ساکن استند صحبت کردیم، او می‌گفت: من و دوتا از بچه‌ها هم رفته بودیم گل زعفران بچینیم و دوتا دیگه هم رفته بودند گوسفند بچرانند. پسر ۴ ساله‌ام تا کمر زیر آوار رفته بود که الان در بیمارستان بستری است من ۶ گوسفند دارم که صدمه‌ای نخوردند غیر از این‌ها چند کلاته کوچک هم هستند که زلزله خراب کرده است.

بطور کلی به مسائل روستائی در این منطقه بسیار کم توجه شده است وضع راه‌ها خیلی خراب است. خانه‌ها اکثراً گلی و بسیار خطرناک هستند. از نظر بهداشتی اکثراً در مضیقه هستند و احتیاج به سرویس بزشکی دارند. قنات کم دارند و آنها‌ئی هم که هست باید لایروبی شوند.

در جریان کمک به زلزله زدگان بی برنامه‌ی شدید مشاهده میشد. سازماندهی وجود نداشت

خواست کمک مسئولین و تمام کمک کننده‌ها را که خواستی انسانی و درست است نمی‌کنیم ولی این کمبود (سازماندهی قوی) باعث شده بود که در همه مناطق کمک، بی نظمی زیاد بشود. در ضمن بیشتر دهاتی‌ها می‌گفتند که فقط نباید مواقعی که زلزله می‌آید ب فکر ما بیفتند ما هم ایرانی هستیم و باید از تمام تسهیلات استفاده کنیم.

در قائن جلوی نیروی انسانی را می‌گرفتند. بعضی از ماشینهای آذوقه و وسایل را بعلمت نیاگ پس میفرستادند که این کار درستی نبود. این مناطق بخصوص کلاته‌ها جمعیت زیادی دارند و مردم بسیار فقیر هستند باید تمام این کمک‌ها را با برنامه و نظم بین مردم پخش کنند. کمک‌ها از طرف مردم و تیرهای مختلف بود. بعضی وقتها در میان وسایل چیزهایی را میدیدیم که نشان میداد خود کمک کننده هم بسیار فقیر است. برای مثال ۲ کیلو کشک را در پارچه کهنه‌ای پیچیده بودند.

همکاری مردم و همدردی آنها نشان دهنده همبستگی ملت ایران است که آنها را مانند دژی محکم در مقابل تمام ابرقدرت‌ها بویژه آمریکا و روسیه حفظ میکند.

کمک کننده‌ها می‌خواستند خودشان وسایلی را که آورده بودند بدست مردم زلزله زده بدهند که این علاقه آنها را ب مردم نشان میداد. خود این مسئله در کارها پراکندگی بوجود می‌آورد. بایکی از هواداران چریک‌ها صحبت می‌کردیم می‌گفت: "باها رفته بودم یک ده با این دهاتیها صحبت می‌کردم از قدرت کارگری دهقانی. اینها حرفم را هی رد میکردند. خودشون گداگشنه هستند ولی نمی‌فهمند که من برای اونا صحبت می‌کردم."

و این "فرشته‌جات" با این برخوردش از بالا هیچ چیز از قدرت کارگری - دهقانی نفهمیده بود و از چیزی که بونبرده بود، خدمت بخلق بدون توقع پاداش متقابل بود.

نامه‌ای افشاگرانه از رامهرمز

فتودال و ایادی آن برای شما بفرستم. فتودال بزرگ رامهرمز از توابع استان خوزستان... خون کشاورزان رامهرمز را مکیده است و در زمان حکومت ملی دکتر مصدق کار شکنی‌هایی که داشته به دولت مصدق ضررهای زیادی رساند و زمین‌های مردم را بعد از سرنگونی دولت ملی مصدق و زمین‌های قرا، شهرباری کیمد بنی و قرا، مجاور را به روز از آنها گرفت و خان بازی را به نحو احسن رواج داد در ضمن آقای فتودال بزرگ رامهرمز و پسرش جزو لژ فراماسونری هستند (نقل از کیهان تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۸). این فتودال بوسیله ایادی‌اش... مردم بتیید در خنجد ۷

دوست عزیز از رامهرمز طی نامه‌ای از مبارزات دهقانان و ستم‌های یک فتودال و ایادی اش برای ما نوشته است که در زیر می‌خوانید.

از دوست عزیز بوزش می‌خواهیم که اسامی افرادی را که در نامه‌اش ذکر کرده ناچاریم حذف کنیم چون خودمان قادر به تحقیقات مستقلی در این مورد نبودیم.

بنام خداوند در هم کوبنده، طالمان
۱۳۵۸/۸/۱۲
نویسندگان محترم سریه، رنجبر
پس از سلام، از اینکه نشرید، شامانشا
کری می‌کند. تشکر می‌کنم. خواشم مطالبی
در باره‌ی شیر فلک راده رامهرمز و معرفی یک



چگونه مبارزه...

مبارزه ضد امپریالیستی یک کار بوروکراتیک جدا از مردم نیست که به وسیله چند مقام مملکتی از بالا، با اعلام قطع یک رابطه و یا فسخ چند قرارداد انجام شود. این همان چیزی بود که بسیاری از انقلابی‌نماها و چپ‌نماها سعی می‌کردند به عنوان مبارزه ضد امپریالیستی به مردم قالب کنند و برای نشان دادن اینکه دولت ضد امپریالیست نیست بهانه بیاورند. مبارزه ضد امپریالیستی یک حرکت توده‌ای است که پرچم روشن استقلال طلبی و شرکت توده‌های مردم شاخص آن است. برای مبارزه ضد امپریالیستی باید توده‌ها بسیج و مصمم برای مقاومت و مبارزه باشند و این در همه زمینه‌ها، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی صادق است.

مثلا اگر زمینه اقتصادی را در نظر بگیریم قطع وابستگی دو مساله را پیش می‌کشد که باید حل شود و حل هر دو عملی است توده‌ای و توده‌ها باید برای هر دو آماده بوده و بسیج شوند: یکی مساله ایست کوتاه مدت و عبارتست از تحمل و مقاومت در برابر مشکلاتی که بطور موقت قطع وابستگی ایجاد می‌کند مانند کمپاب شدن بعضی کالاها، مصرفی، گرانی، بیکاری و غیره. دوم لزوم بسیج توده‌ها برای بالا بردن رشد تولیدات ملی و تامین نیازمندیهای ضروری در داخل کشور به عنوان هدفی دراز مدت. (مثلا حل مسئله قطع وابستگی به مواد غذایی وارداتی تنها با بسیج و تکیه به دهقانان امکان پذیر است.)

نمونه‌هایی مانند روزه سیاسی هفته گذشته یک نمونه روحیه مقاومت و مصمم بودن توده‌ها برای مقابله با اخلاک‌گراییهای امپریالیسم آمریکا بود. این روحیه باید با تنظیم یک برنامه احیا و رشد کشاورزی، بهبود اقتصاد دهقانی و بسیج توده‌های مردم برای تسریع رشد اقتصاد ملی تکمیل شود تا بتوانیم مقاومت و پایداری دراز مدتی را تدارک ببینیم و بسمت استقلال به پیش رویم.

هر نوع سیاستی که به جنبش توده‌ای و بسیج و متشکل کردن مردم در امر مبارزه ضد امپریالیستی توجه نکند، به آن کم بها دهد و یا آن را تعیین کننده نداند. یک سیاست قاطع ضد امپریالیستی نیست.

قطع وابستگی در صورتی عملی انقلابی است که با تکیه به نیروی خود باشد

امپریالیست‌ها آن چنان میهن ما را غارت کرده‌اند که در بسیاری از زمینه‌ها به آنها محتاج هستیم. امروز هر وقت که صحبت از قطع وابستگی می‌کنیم این مساله مطرح است که بهر حال در عین مقاومت و مبارزه باید نیازمندیهای مردم را تامین نمود و برای رهایی از یوغ سالها نفوذ ریشه دار امپریالیسم به ویژه آمریکا، باید نیرو و امکانات لازم را تدارک دید.

این نیرو و امکانات کجاست؟ به عقیده ما تنها راه، توده‌ها، مردم مس. ما تنها

باید سیاستهای سازشکارانه نسبت به ابر قدرت روسیه را افشا کرد تا نتوانند در مبارزه ضد امپریالیسم آمریکا، با هیاهوی ضد امریکائی، خود را انقلابی جا بزنند. نیروهای به اصطلاح "رادیکال" و انقلابی ناهائی که فقط فریاد ضد امریکائی و یا قطع رابطه با غرب سر می‌دهند بدون اینکه هیچوقت در مقابل امپریالیسم روس موضع روشنی بگیرند و بدون اینکه هیچ وقت تکیه به نیروی خلق را تبلیغ کرده باشند، نه تنها انقلابی نیستند بلکه نهایتا در اثر ورشکستگی سیاستهای کاذب خود، دست در دست مدارا جویان و حتی سر سپردگان امپریالیسم روس خواهند داد و کشور ما را به راهی خواهند برد که کوبا، ویتنام ویا مصر و لیبی و هندوستان رفتند. مردم ما این کوره راه را نمی‌خواهند. مردم میهن ما استقلال می‌خواهند و می‌دانند استقلال یعنی اتکاء به نیروی خود، جدا از وابستگی‌ها.

اتحاد بزرگ ملی برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی

در ادامه و تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی از بسیج توده‌ها گرفته تا رشد امکانات ملی و تا مقابله در زمینه نظامی و غیره همه ضرورت وحدت و فشرده‌تر شدن صفوف خلق را بعنوان پیش شرط موفقیت در مبارزه ضد امپریالیستی طلب می‌کند.

در چنین شرایطی از نظر تاکتیکی نباید نیروی امپریالیست‌ها، توطئه‌ها و حيله‌های آنها را در تفرقه دست کم گرفت. برای مقابله و مبارزه با امپریالیست‌ها و برای استقلال میهن همه نیروهای استقلال خواه متعلق به خلق باید متحد شوند. این یک ضرورت ناشی از شرایط عینی نیز هست که اگر کسی آن را نپذیرد، خواه نا خواه واقعیات به او تحمیل خواهد کرد. هیچ نیرویی به تنهایی، در انفراد و در تفرقه نمی‌تواند با امپریالیسم مقابله کند. این حقیقت را تجربیات تاریخی نیز اثبات کرده است. هیچ نیروی سیاسی نیز نمی‌تواند دفاع از میهن و مبارزه ضد امپریالیستی را منحصر بخود بداند. امروز بیش از هر وقت دیگر ضرورت وحدت سه نیروی استقلال خواه یعنی اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی به طور عینی حس می‌شود. این وحدت عبارتست از وحدت در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی. تنها در مقابل صفوف متحد و به هم فشرده همه نیروهای استقلال خواه است که امپریالیسم به زانو در خواهد آمد.

در مبارزه ضد امپریالیستی نیت خیرکافی نیست، سیاست و برنامه درست لازم است

مسائل مربوط به مبارزه ضد امپریالیستی که در بالا اشاره شد برای تعیین خطوط یک سیاست درست ضد امپریالیستی، از شرایط لازم و ضروری است. منظور این است که باید سیاست درست اتخاذ نمود و برنامه‌ی روشنی برای تداوم مبارزه داشت، صرف داشتن نیت،

مبارزه و اتکاء بخود

بخشهای دیگر اقتصاد ملی مان تاکید گذارد. بدین ترتیب کوشی است برای معالجه مرض وابستگی اقتصاد ما به نفت. اقتصادی که بر اثر سلطه امپریالیسم به یک اقتصاد تک محصولی مبدل شده است.

بگذار امپریالیسم آمریکا علاوه بر دشمنی با انقلاب اسلامی و حمایت از ضدانقلاب و شاه مخلوع و جنایتکار، ما را به محاصره اقتصادی تهدید کند. مانفت خود را بروی آنها میندیم خواهیم دید که چه کسی به چه کسی محتاج است. ۳- امام خمینی گفت ملت ما ترجیح میدهد گرسنگی بکشد ولی شرف و استقلال خود را حفظ کند. این بیان ایمان و روحیه‌ای است که ملت ما را قادر میسازد تا برپای خود بایستد، این بیان اراده قاطع خلق ما برای تکیه بر نیروی خود است. انقلاب اسلامی ملت ما به نیروی خود تکیه داشت و اصلت آن از اینجا سرچشمه میگرفت. در ادامه انقلاب هم باید در تمام زمینه‌ها به نیروی لایزال خلقمان تکیه کنیم حرکت بزرگ روزه سیاسی مردم سراسر کشور بازتابی از اراده خلق در تبعیت از این اصل بزرگ است.

اکنون که موج بزرگ مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا برپا گردیده سوسیالیسم امپریالیسم شوروی و عمال آنها خیال‌واهی دارند که میتوانند ملت ما و انقلاب اسلامی ما را به سوی مسکو بکشانند. و عقیده اتکاء به شوروی را به مردم القا کنند. زهی خیال باطل، زهی بی‌شرمی. "نه غربی، نه شرقی" اینست مستگیری انقلاب ملت. منبع قدرت انقلاب توده‌ها هستند، همان توده‌های مستضعفی که تانک و توپ شاه را با دست خالی درهم شکستند. ملت ما می‌تواند و باید که حتی به قیمت فداکاری بیشتر، در همه زمینه‌ها بخود متکی باشد تا از شرف ملی و استقلال کشور دفاع کند. زنده باد امام خمینی که گفت ما گرسنگی را به از کف دادن شرف و استقلال خود ترجیح میدهیم. اما برای این کار باید برنامه داشته باشیم، این برنامه باید نکات زیر را دربرگیرد. - بالا بردن تولید کشاورزی، صنایع، تجارت داخلی و خدمات

- دفاع و تشویق همه جانبه از کوششهای ملی صنعتگران، محققین، مخترعین استقلال طلبی که خلایق و توانائی خود را برای بی‌نیازی کشور به صنایع و تکنیک امپریالیستی بکار گرفته و میگیرند.

- لزوم و ضرورت توسعه کار و کوشش تمام موسسات تولیدی، آموزشی، اداری و غیره و مقابله با کلیه نظرات انحرافی که تحت پوششهای گوناگون تلاش در خراب کردن این موسسات میکنند، و بالاخره کوشش برای فشرده کردن صفوف متحد خلق یعنی همه ملیتهای ایران، همه اقشار و طبقات خلقی از کارگر، دهقان و کاسبکار و روشنفکر تا سرمایه‌داران ملی و همه احزاب و گروههای سیاسی استقلال طلب متحد با انقلاب اسلامی ایران.

۴- در این مبارزه بزرگ ضد امپریالیستی جای شک و تردیدی نیست که امپریالیسم سوسیالی

شوروی کشور...

لنین، به زبان انگلیسی جلد ۱۰، صفحه ۴۹). باین طریق می‌توان گفت که هنر و ادبیات پرولتاریائی، آن هنر و ادبیاتی است که اولاً در خدمت طبقه پرولتاریا قرار می‌گیرد و ثانياً از زندگی و مبارزات زحمتکشان الهام می‌گیرد و از آن تغذیه می‌کند. بنابراین هنر و ادبیات سوسیالیستی باید تاریخ مبارزات زحمتکشان، سنتهای مبارزاتی، پیروزیها و دستاوردهای آنها را بیان کند. این هنر و ادبیات در خدمت ارتقاء سطح زحمتکشان است و می‌کوشد تا درک آنها را از موقعیت خودشان در جامعه، وظایف و رسالت‌هایشان در از میان بردن ستم و استثمار و بالاخره برقراری جامعه بی طبقه کمونیستی بالا برد و الهام بخش و راهنمای آنان برای مبارزات آینده‌شان باشد. هنر و ادبیات پرولتاریائی هنر و ادبیات مبارزه جواست. هدف آن غالب کردن سوسیالیسم بر فرد گرایی و خود پرستی و غالب کردن رزمندگی بر سستی و تسلیم طلبی و بی‌هدفی (پاسیفیسم) است. هنرمند پرولتاریائی از توده‌های زحمتکشی خلق الهام می‌گیرد، از آنها می‌آموزد و با تمام نیروی خود در خدمت پیشبرد امر انقلاب آنها است.

اما هنر و ادبیات بورژوازی بعکس در خدمت گروه معدود "برگزیدگان" است. نویسنده و هنرمند بورژوا خود را ماوراء طبقات و ماوراء اجتماع فرض می‌کند. او خود را یکی از "نوابغ" و برگزیدگان جامعه می‌داند و به علت "نبوغ" خودش مقام شامخی در جامعه برای خود قائل است و سرمایه داران را قهرمانان جامعه فرض می‌کند و توده‌های زحمتکش را احمق و نادان می‌داند. این هنرمندان همانطور که لنین می‌گوید در واقع نشر دهنده فلسفه پول پرستی، مقام طلبی، فساد و فحشاء هستند.

حالا ببینیم جامعه اتحاد جماهیر شوروی، نشر دهنده و مبلغ چگونه هنر و ادبیاتی است. کشور شوروی پس از انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) سه مرحله متفاوت را گذرانیده است. مرحله اول دوره فرمانروائی طبقه کارگر به رهبری لنین و استالین بود که از بدو تا سپس کشور سوراها تا فوت استالین ادامه داشت. بعد از برقراری دولت شوراهای کارگران و دهقانان در شوروی لنین اعلام کرد: "لازم است که ما مدارس را از وسیله‌های برای حکومت طبقاتی بورژوازی به وسیله‌های برای سرنگون کردن حکومت بورژوازی و از میان بردن کامل طبقات در اجتماع مبدل کنیم".

لنین گفت: "مدارس باید قادر باشند نسل جدیدی بسازند که توانائی ساختمان کمونیسم را داشته باشد... او گفت که آموزش نسل جوان باید "ملو از روحیه مبارزات طبقاتی پرولتاریا به منظور سرنگون کردن بورژوازی، از میان بردن طبقات و نابود کردن تمام اشکال استثمار انسان از انسان باشد". (رجوع شود به مقاله "درباره فرهنگ پرولتاریائی" کلیات لنین، جلد ۳۱ صفحه ۳۱۶). به پیروی از این رهنمودهای لنین بود که در دوره حیات او و نیز در دوران رهبری استالین آموزش به طور کلی و هنر و ادبیات به طور خاص در خدمت مبارزات طبقاتی زحمتکشان قرار گرفت. تئوری رتالیسم سوسیالیستی که سبک هنری انقلابی سوسیالیستی بود در کشور شوروی به سرعت نشر و توسعه پیدا کرد. جوهر اصلی این تئوری این بود که ادبیات و هنر باید منعکس کننده واقعیات موجود زندگی جامعه باشد و جریان از میان رفتن جامعه کهن و پیدایش جامعه نو را در پروسه تکاملی آن نشان دهد. باین طریق ادبیات و هنر با برجسته کردن مظاهر عالی مبارزات طبقاتی زحمتکشان در جریان ساختمان اجتماع نوین سوسیالیستی در خدمت ساختمان سوسیالیسم در شوروی قرار گرفت.

از نمایندگان برجسته ادبیات و هنر سوسیالیستی، ماکسیم گورکی، آندره ژدانف، آ. فادیف، نیکلا استروسکی، و سرگنی آیزنشتاین را باید نام برد. ماکسیم گورکی آثار بزرگی چون "مادر" و "در اعماق" را خلق کرد که به عنوان نمونه برای کارهای ادبی نویسندگان پرولتاریائی در سالهای بعد بکار رفتند.

آندره ژدانف چنان در خدمت مبارزات طبقاتی پرولتاریا قرار گرفت که سرمایه‌داران سرتاسر جهان به تبلیغات وسیعی پیرامون "دشمنی" او با هنر پرداختند. از شاهکارهای زندگی ژدانف این بود که وقتی در طی جنگ جهانی دوم شهر لنین گراد در محاصره ارتش آلمان هیتلری و تحت هجوم روزانه ارتش نازی بود در شرایطی که مردم شهر به شدت از گرسنگی و سرما و بیماریان های دشمن رنج می‌بردند او که در آن زمان دبیر اول شعبه حزب کمونیست در لنین گراد بود کنگره نویسندگان را درست در مرکز شهر بر گزار کرد. او معتقد بود که در هنر و ادبیات هم سیاست باید همیشه نقش حاکم داشته باشد.

داستان‌های مشهور آ. فادیف به نام "هزیمت" و "گارد جوان" در وصف نبرد های قهرمانانه ارتش سرخ دوران جنگهای داخلی و جنگ جهانی دوم بود. جنگهایی که خود او نیز در آنها فعالانه شرکت کرد. فادیف در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) بعد از به حکومت رسیدن خروشچف در شوروی و حمله او به استالین خود کشی کرد. داستان "چگونه فولاد آبدیده شد" نیکلا استروسکی و فیلم‌های ایزنشتاین مانند "کشتی پوتمکین"، "اکتبر" ("ده روزی که دنیا را تکان داد") و "الکساندر نوسکی" از نمونه‌های بارز ادبیات و هنر پرولتاریائی در دوران استالین می‌باشند.

اما بعد از مرگ استالین و به قدرت رسیدن دار و دسته خروشچف این نویسندگان و هنرمندان از قلمرو هنر و ادبیات شوروی طرد شدند. دار و دسته خا. خروشچف ادعا کردند که

نیرو و امکانات لازم را تدارک دید.
این نیرو و امکانات کجاست؟ به عقیده ما توان لایزال توده‌های مردم میهن ما تنها منبع قابل اعتماد و پایان ناپذیر نیرو و امکانات برای تامین استقلال میهن است. عمل انقلابی یعنی اتکا به این نیروی واقعی برای رهایی از سلطه امپریالیست‌ها.

چرا ما بر این اصل با فشاری می‌کنیم؟ مگر راه دیگری هم مطرح است؟

نه راه دیگری مطرح نیست. ولسی کوره راه‌ها و در باغ سبزهایی مطرح است. امروز امپریالیسم روسیه منتظر است که ما با قطع وابستگی‌ها از غرب نتوانیم و یا قصد نداشته باشیم مسائل مان را با اتکا به خودمان حل کنیم تا او بتواند جای خالی رقیب را پر کند و به تدریج قدرت خود را حاکم گرداند و میهن ما را وابسته به خود کند. دار و دسته‌های وابسته به روس مانند دار و دسته کیانوری و کریم حسامی، اولی به تبلیغ وابستگی به ارباب مشغول است و دومی چماق ترساندن برای تسلیم کردن مردم ما شده است. روزی نیست که روزنامه "مردم" تبلیغ اتکا به روسیه را نکند و اخیرا هم بی‌سرمانه می‌گوید به جای آمریکا دست روسیه را محکم بشماریم.

خود اربابان باند کیانوری هم که جای خود دارند و صدای شوم آنها که: "ما همه چیز به شما می‌دهیم و مردم ایران باید برای مقابله با غرب به روسیه متکی باشند" را علنا سر داده‌اند. سخنان سفیر شوروی در ایران بسیار گویا و روشن است: "... اما مردم ایران به خوبی ... می‌دانند که در لحظات دشوار به کدام سمت متکی باشند ... و ادامه می‌دهد: "... خلاصه اینکه باب مراد به بین دو کشور و به طور کلی راه برقراری تماس‌های بازرگانی ... از جانب ما باز است."

(روزنامه "مردم" شماره ۹۲ چهارشنبه ۲۲ آبان)

این نمونه کوچک مربوط به روزهای اخیر بود. و گرنه "فعالینهای" از این قبیل چه از جانب خود ارباب و یا از جانب نوکران برای فریب، در باغ سبز نشان دادن و حتی اخلاص و ارباب بسیار است.

در چنین شرایطی است که ما بر اصل اتکا به نیروی خود به عنوان یک اصل میهنی و انقلابی تاکید می‌کنیم.

امروز باید قاطعانه و صریح برای مردم روشن نمود که قطع رابطه با غرب خود بخود یک عمل انقلابی نیست، قطع وابستگی‌ها در صورتی عملی انقلابی است که اتکا به نیروی خود و رشد امکانات ملی را جایگزین آن کند، نه رفتن به زیر یوغ امپریالیسم دیگر. مردم ما در واقع خواهان استقلال هستند و لذا می‌خواهند در مبارزه ضد امپریالیستی بر سیاست اتکا به نیروی خود با فشاری شود.

سیاست درست اتخاذ نمود و برنامه‌ی روشنی برای تداوم مبارزه داشت، صرف داشتن نیت، کاری را از پیش نخواهد برد.
مثلا امپریالیسم آمریکا توطئه می‌کند، اخلاص می‌کند و مشکلات اقتصادی ایجاد می‌کند، دانشجویان ایرانی را اخراج می‌کند و غیره... اگر سیاست درست مقابله نداشته باشیم، در اینجاست که در باغ سبزهای روسیه بلا فاصله ارائه می‌شود و از جمله سفیر روسیه در ایران می‌گوید: "... اتحاد شوروی حاضر است بورسهای تحصیلی در اختیار جوانان ایران قرار دهد ...". اگر سیاستهای مطرح شده در بالا را بکار نبریم، یعنی توده‌ها بسیج و مصمم برای مقابله با مشکلات نباشند، به اتکا به نیروی خود اهمیت ندهیم، در مقابل وحدت نیروها، انحصار طلبی موجود باشد و بخصوص اگر برنامه روشن و همه جانبه‌ای نداشته باشیم علی‌رغم انقلابیگری و فریادهای "رادیکال"، وقتی که بار مشکلات اقتصادی، سیاسی و فشار تهدیدات زیاد شد، آن وقت است که خرس قطبی خود را جلو می‌اندازد، ضعفهای ناشی از اتخاذ سیاستهای غلط، خواسته یا ناخواسته چه بسیاری افراد "پاک نیت" را همراه تسلیم طلبان و مدارا جویان به دامن خرس قطبی می‌کشاند. این است که می‌گوئیم سیاست درست باید اتخاذ نمود و برنامه مشخص باید داشت، نیت پاک کافی نیست.

"امپریالیسم بیر کاغذی است" - " آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند"

امپریالیست‌ها به ظاهر قدرت مندند و از نظر تاکتیکی نیز باید قدرت و امکانات و وسائل آنها را مورد توجه قرار داد. اما آنها در برابر نیروی لایزال خلق‌ها، بالاخره به زانو در خواهند آمد.

آنچه که گفتیم نشان می‌دهد باید مصمم بود و با امپریالیسم مبارزه کرد، باید قاطعانه در راه استقلال گام نهاد و در این راه باید توده‌ها را بسیج نمود، به نیروی آنها تکیه کرد و به اتحاد بزرگ ملی متشکل از سه نیروی جامعه ما تحقق بخشید. با اتخاذ این سیاست‌های درست و برنامه‌های روشن، شکی نیست که پیروزی حتمی است.

در مقابل تهدیدات آمریکا، امام خمینی به درستی گفتند: " آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند". این بیان یک حقیقت عام است که امپریالیسم بیر کاغذی است. تجربیات مردم میهن ما و انقلاب اخیر ما و تجربیات سایر خلقهای جهان این حقیقت را ثابت کرده است. امپریالیسم را با نیروی توده‌های متشکل و متحد می‌توان شکست داد. و ما مطمئنا با فشاری بروی استقلال و تکیه به نیروی خود چنین کاری را خواهیم کرد.

۴- در این مبارزه بزرگ ضد امپریالیستی جای شک و تردید نیست که امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و عمال آنها و صهیونیست‌ها و عوامل سرسپرده رژیم سرنگون شده از هیچ تلاشی برای تحریکات ضد انقلابی و خرابکاری فرودگذار نخواهند کرد.

امپریالیسم و دشمنان انقلاب که قادر به مقابله آشکار با ملت بی‌باخته ما نیستند تلاش خواهند کرد از پشت‌خنجر بزنند. در این وضعیت است که باید بروهوشیاری خود و تمام خلق افزود و در مقابل خرابکاری آنها پیشگیری لازم را نمود. باید از نظر سیاسی بر هوشیاری خود و تمام خلق در برابر توطئه‌های خرابکارانه امپریالیسم آمریکا و عمالش و صهیونیست‌ها با فشاری کرد. اعلامیه شماره ۳۰ " دانشجویان مسلمان بیرو خط امام" مستقر در لانه جاسوسی آمریکا بخوبی بر این امر با فشاری می‌کند.

باید در مقابل سوسیال-امپریالیسم شوروی و عمال آنها که از طرق مختلف در این مبارزه ضد امپریالیستی بنفع خود اخلاص می‌نمایند هوشیاری را بالا برد.

باید نظریات در ظاهر انقلابی را که بشکل عبارت پردازی انقلابی ظاهر میشود و به بستن دانشگاهها و موسسات تولیدی و غیره فرمان میدهند طرد و انتقاد کرد. این نظریات بطور عینی آب به آسیاب امپریالیسم و سوسیال-امپریالیسم میریزد.

باصداران انقلاب و موسسات مسئول در کشور باید مراکز حساس کشور و بویژه ناسیسات نفتی کشور را در برابر خرابکاری و تخریب عمال امپریالیسم و صهیونیسم با هوشیاری تمام پاسداری کنند.

هم میهنان عزیز، انقلاب اسلامی ملت ما با جوهری خروش به پیش میرود. امپریالیسم آمریکا محکوم به شکست است. این خلق انقلابی ما است که سرنویشت کشورمان را می‌سازد. این خواست مردم ما برای مجازات جلاد خونخوار فرزندان این مرزوبوم یعنی محمدرضا پهلوی است که حقانیت دارد. سوسیال-امپریالیسم شوروی و فاسد انقلابیون دیگر هم محکوم به شکست اند زیرا امر آنها حقانیت نداشته و برخلاف منافع خلق و انقلاب میباشد. ما قادریم با اتکا به نیروی خود، با فشاری بر اتحاد بزرگ ملی و درهم شکستن تحریکات و خرابکاریهای ضد انقلابیون تلاشهای امپریالیسم آمریکا را درهم شکنیم و تلاشهای سوسیال-امپریالیسم را نقش بر آب کنیم.

سازمان انقلابی
سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب
طبقه کارگر
سازمان کمونترها

۲۲ آبان ۱۳۵۸

امپریالیسم روسیه

پخش گردید. دولت دست نشانده حفیض الله امین، تحت فشار افکار عمومی، فهرستی را از اسامی ۱۲۰۰۰ (بنا بر اظهار نظر مبارزین افغانی این رقم تنها بخش کوچکی از تعداد زندانیان سیاسی است که بدست عمال سوسیال-امپریالیسم شوروی بشهادت رسیده‌اند) نفر از زندانیان سیاسی کابل که در زمان حکومت نورمحمد تره‌کی اعدام و قتل عام شده‌اند انتشار داده است. این فهرست تنها اسامی زندانیان کابل را در بر می‌گیرد و دولت امین وعده داده است که بسزودی اسامی کشته شدگان سایر شهرها را نیز منتشر کند. بدنبال اطلاع از این فاجعه عظیم، هزاران خانواده و مردمی که به امید دیدار مجدد عزیزان خود بسر می‌برند، داغدار و خشمگین به خیابانها ریخته و ارتش جنایتکار امین با مسلسل و تانک به گشتار وحشیانه آنها برخاست.

رژیم خونخوار امین با پرده برداشتن از روی این جنایت تصور میکند که می‌تواند مردم افغانستان را فریب داده، جنایاتی را که خود از طراحان و مجریان اصلی آن بوده است بردوش تره‌کی انداخته خود را در پیشگاه خلق تبرئه سازد. لکن مردم افغانستان و کلیه خلقهای جهان از جمله خلق ایران به طبیعت خونخوار این رژیم که هیچ وظیفهای مگر حفاظت از منافع استیلاگرانها اربابان روسی خود ندارد بخوبی آگاهند. اکتسون سوسال امپریالیسم روسی افغانستان را به محل ناخوش و ناز آسار کشیخته خود تبدیل کرده و در این کشور عیسا در همان راهی قدم گذارده که امپریالیسم آمریکا در ویتنام طی کرد. بطوریکه در هفته گذشته ۲۰۰۰ گردان سربار روسی برای اجرای اوامر هزاران مستشار روسی وارد خاک افغانستان شده و آنرا عملا به اشغال خود در آوردند.

فاجعه قلع و قمع دوازده هزار نفر زندانی سیاسی کابل توسط رژیم تره‌کی - امین نشان میدهد که سوسیال امپریالیستی روسی و عمال افغانی آنها قصد نابودی تمامی خلق افغان را دارند تا بر روی اجساد آنها ارتش اشغالگر تزارهای نوین روس راه خود را به سوی آسیای گرم جنوب، به سوی آسیای نوین هند، بگشاید. این جنایت حتی در تاریخ جنایات

برابر ادبیات و میر پرورستانی در دوران استبداد می‌باشد. اما بعد از مرگ استالین و به قدرت رسیدن دار و دسته خروشچف این نویسنده‌گسان و هنرمندان از قلمرو هنر و ادبیات شوروی طرد شدند. دار و دسته خاش خروشچف ادعا کردند که این هنرمندان دیگر "دمده" و "قدیمی شده‌اند" و کارهای هنری آنها دیگر با شرایط نوین زندگی مطابقت ندارد. طولی نکشید که نویسندگان دیگری که سالها مورد قهر زحمتگشان شوروی بودند سر بلند کردند و هنر و ادبیات شوروی را در اختیار خود گرفتند. ما در شماره بعد به شرح این مرحله از تکامل فرهنگ و ادبیات در شوروی خواهیم پرداخت.

سنگین امپریالیسم آمریکا در ویتنام و هندوچین نیز سابقه ندارد. این گشتار دست جمعی زندانیان بی‌دفاع را تنها و تنها با اردوگاههای مرگ و کوره‌های آدم سوزی هیتلری میتوان مقایسه کرد. با این گشتار، سوسیال امپریالیسم روسیه بار دیگر عمیق ماهیت ضد خلقی و جنایتکارانه خود را به کسانی که هنوز نسبت به "نیات حسنه" این ابر قدرت چپا نخوار شک دارند نشان میدهد. خبر فاجعه قتل عام ۱۲۰۰۰ زندانی سیاسی افغانی در زمانی انتشار می‌یابد که خلق دلیر ایران یکدل و یکجان برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا با خاسته است. در چنین شرایطی، سوسیال امپریالیستهای روسی و عمال ایرانی آنها یعنی دار و دسته کیانوری و میکوشند از امواج خشم بحسب مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا، برای منحرف کردن این جنبش بسوی سازش با شوروی بهره‌برداری کنند. لکن مردم ایران هرگز فریب ابرقدرت روس و عمال آنرا نخواهد خورد، ابر قدرتی که در همسایگی ما به فجیع ترین جنایات علیه خلق برادر افغانستان دست می‌زند و همچون گرگی در لباس میشی خود را "دوست" و "حامی" مردم ما در مبارزه علیه امپریالیسم قلمداد میکند. مردم ایران این ندای هشدار دهنده امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران را هرگز فراموش نمی‌کنند که: "در هر مملکتی می‌بینید با دخالت همین آمریکا و با دخالت همین شوروی آدم‌کشی هست. در افغانستان الآن به دخالت شوروی آدم‌کشی است. در بسیاری جاها مثل لبنان به دخالت آمریکا آدم‌کشی است." (نقل از روزنامه اطلاعات ۲۲ خرداد ۵۸).

بر مردم ایران است که پشتیبانی خود را از خلق برادر افغانستان هر چه بیشتر تقویت کنند و بر دولت جمهوری اسلامی ایران است که علیه رژیم سفاکان و خونخواران حاکم بر کابل، سیاست هرچه قاطعانه‌تر و افسارگراانه تری اتخاذ نماید.

ننک بر رژیم جنایتکار تره‌کی - امین و اربابان سوسیال امپریالیست روسی آن. زنده باد مقاومت دلیرانه و جنگ توده‌ای خلق برادر افغانستان.

سازمان انقلابی
سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب
طبقه کارگر
سازمان کمونترها

۲۷ آبان ۱۳۵۸

در باره قانون اساسی

سازمان مرکزی حزب جمهوری برای سران هفته گذشته به تصویب مجلس بررسی نهائی قانون اساسی رسید. این قانون پس از اظهار نظر امام خمینی در یازدهم آذر به رای مردم گذارده خواهد شد.

قوانین و منجمله قانون اساسی را نمیتوان بطور مجرد و انتزاعی بررسی کرد. برای ارزیابی از قانون اساسی باید آنرا در متن تاریخی معین و در چارچوب شرایط مشخص طبقاتی، ملی و بین المللی در نظر گرفت. قانون اساسی جدید که انقضای ساهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی را به صورت نهادی تثبیت میکند، برآیندی از جریان عظیم انقلابی توده‌های مردم ماست که در طی آن مردم ما موفق شدند بساط فرعونى دیکتاتوری منحوس پهلوی را درهم کوبند و با مواضع روشن و خلل‌ناپذیر ضد امپریالیستی و ضد استعماری در قبال ابر قدرتها بسوی کسب استقلال کامل و حاکمیت ملی حرکت کنند. اینکه با چه معیاری باید قانون اساسی جدید را محک زد منوط به شناخت دقیق مضمون انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک کشورمان میباشد. اینکه قانون اساسی جدید باید به چه خدمت کند، وابسته به درک این مسئله است که شرایط فعلی جامعه و کشورمان چیستند و ایران در صحنه جهانی در چه صف آرائی و در برابر چه دشمنانی و در کنار کدام دوستان قرار گرفته است. بدون تحلیل مشخص، ارزیابی از قانون اساسی جدید تجریدی و بی هدف بوده و در "بهترین حالت به مقایسه الگوئی و نسخه برداری شده، با قانون اساسی این یا آن کشور منجر خواهد شد.

کشور ما برای سالیان طولانی تحت سلطه استعمار و امپریالیسم بوده است. متجاوز از یک قرن تمام از استقلال و حاکمیت ملی ما جز اسمی باقی نمانده بود. سرمنشأ و ریشه اصلی تمام عقب ماندگی و عقب نگه داشته شدگی ما، بتاراج رفتن منابع و ثروتهای کشور، خفقان و دیکتاتوری حاکم بر جامعه، زوال تدریجی فرهنگ ملی و سلطه روزافزون فرهنگ استعماری و امپریالیستی، استعمار و امپریالیسم بوده است که چه مستقیم و چه از طریق سرمایه داری وابسته بخود، در تمام شئون و زمینه‌های مختلف جامعه نفوذ کرده است در طی این مدت تضاد عمده جامعه ما، تضاد خلق با استعمار و امپریالیسم، همدستان داخلی آن و بویژه حکومتیهای دست نشانده و وابسته به آن بوده است. در طی این مدت مردم ما فداکارانه و قهرمانانه برای بدست آوردن آزادی و دمکراسی، برای رسیدن به زندگی بهتر بویژه برای میلیونها توده زحمتکش که

ما را با دیگر متحدین مان اشتراک وجه می بخشد مبارزه برای به دست آوردن استقلال و حاکمیت ملی است. روند عمومی در سراسر جهان و در کشور ما نیز، مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت و مبارزه برای کسب استقلال و علیه سلطه گرائی است.

با چنین وضعیتی در سطح جهان و با توجه به تضاد عمده‌ای که در جامعه ما موجود است بالاترین و اصلترین معیار برای سنجش خوب و بد، درست و نادرست و مترقی یا ارتجاعی بودن هر پدیده مهمی، معیار خدمت به کسب و حفظ استقلال و معیار مبارزه قاطع و آنتی ناپذیر علیه امپریالیسم و سوسیال -

امپریالیسم و سلطه گرائی آنهاست. با این معیار قانون اساسی جدید مترقی است.

اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی جدید میگوید: "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه - جوئی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است." این اصل نه تنها یک مساله مهم و بسیار اساسی انقلابی ضد امپریالیستی را در دوران امپریالیسم در خطوط کلی طرح میکند، بلکه آنچنان دقیق و موثکافانه تنظیم شده است که بروی مهمترین عنصر ایجاد هرج و مرج و غارتگری و زورگوئی در مرحله کنونی انگشت میگذارد. این عنصر، سلطه طلبی دوا بر قدرت امریکا و شوروی و رقابت مرگ و زندگی آنها برای کسب و حفظ سلطه بر جهان است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم میگوید: "جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود میدانند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملتهای دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت میکند." این اصل تبلوری از خواست مردم ما در همبستگی و حمایت بیدریغ از ملل و خلقهای است که با نحاء گوناگون در اسارت امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم قرار دارند. آرمان مقدسی است که مردم ما برای سعادت بشریت و کسب استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل برای همه مستضعفین جهان دارند.

اصل یکصد و پنجاه و سوم میگوید: "هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است." این اصل نیز مبین اراده قاطع خلقهای ما برای قطع کامل نفوذ امپریالیسم در کشور ما در همه زمینه‌هاست.

اصل هشتادم: "گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای ملی،

حقوق خلقهای ایران از کرد و عرب گرفته تا آذری و بلوچ و ترکمن را صراحتاً در قانون اساسی برسمیت شناخت؟ آیا برسمیت شناختن حق خودمختاری آنها در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران به وحدت رزمنده همه خلقهای ایران برای پیسبرد انقلاب و حفظ استقلال کشور در برابر امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت امریکا و شوروی کمک نمیکند؟ بنظر ما قانون اساسی باید در این مورد کاملاً صراحت داشته و حقوق ملیت های کشورمان را برسمیت بنماید. هنگامیکه برخورد عادلانه به حقوق ملیتهای کشورمان و مقتضیات انقلاب و پیسبرد مبارزه ضد امپریالیستی و بخصوص بستن راه هر نوع سواستفاده دوا بر قدرت از این تضاد درون خلقی کشورمان، ایجاد میکند که عملاً این حقوق برسمیت شناخته شوند، چرا نباید در قانون اساسی چنین کاری کرد. مواضع رهبر انقلاب امام خمینی در پیام ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸ خطاب به هموطنان کرد دارای مواضع بسیار پیشرفته‌ای است که ماسفاهه انعکاسی در قانون اساسی نیافته است و این نقیصه باید هر چه زودتر مرتفع گردد.

در مورد حقوق برابر برای زنان نیز قانون اساسی دارای کمبود بزرگی است زنان ما که با شرکت چند میلیونی خود در جریان انقلاب و حتی در بسیاری موارد با بیستاز بودن در امر مبارزه باعث پیروزی انقلاب شدند و بجرات میتوان گفت که بدون شرکت وسیع آنان پیروزی انقلاب بسیار مشکل و حتی غیرممکن بود اکنون بدرستی انتظار دارند که در شرایطی که امر کسب و حفظ استقلال کشور بسرعت پیش میرود، امری که زنان اساساً بدان خاطر در انقلاب شرکت کردند، حقوق حقه آنها نیز برسمیت شناخته شود. این حقوق چیزی نیست جز برابری کامل حقوق زنان با حقوق مردان در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی. مورد مهم دیگر عدم طرح حق اعتصاب برای کارگران است. هر چند عدم طرح این حق در قانون اساسی بمعنای نفی این حق نیست و بهرحال کارگران و زحمتکشان ما از این حق طبیعی برخوردارند و در صورت لزوم از آن استفاده خواهند کرد ولی طرح و برسمیت شناختن این حق برای کارگران در قانون اساسی لازم است و این بمعنای احترام به اکثریت بزرگی است که ستون اصلی انقلاب و ستون اصلی ادامگی آن بوده و هستند. فقط با رعایت کامل تمام حقوق حقه زحمتکشان در این مرحله از انقلاب است که میتوان میلیونها زحمتکش و کارگر کشور را برای مبارزه بزرگ کنونی و برای ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد و شکوفا بسیج کرد.

طرح مساله شوراها، با توجه به اهمیت بسیار زیاد سیاسی - اجتماعی که این شوراها میتوانند با نقوه از نقطه نظر شرکت دادن وسیعترین توده مردم در انجام کارهای خودشان داشته باشند و در صورتی که خوب عمل شود متضمن برقراری دمکراسی و مشارکت

است. طبیعی است که رهبری ما حسین خصوصاً، در جریان مبارزه و هدایت انقلاب بجلو یورد بدبیری و احرام میلیونیها بفرار مردم کشورمان ترار نمیکرد. امام در طی یک مبارزه طولانی برای وسیعترین توده‌های مردم ساخته شده و در حقیقت منتخب آنها گند است. در طرح مساله رهبری در قانون اساسی باید بدو مساله مهم توجه داشت یکی اینکه رهبر یا شورای رهبری باید مورد کنترل عادی مردم و نمایندگان مردم قرار داشته باشد و دیگر اینکه خود رهبر یا شورای رهبری باید در چارچوب قانون اساسی و نه در وراي آن کار کند و در حقیقت رهبر هم مثل بقیه آحاد ملت تابع قانون اساسی و سایر قوانین کشور است. انعکاس مساله رهبری در قانون اساسی بدخوی است که جای این تعبیر را باز میگذارد که رهبری مفید و مکلف به قانون اساسی نیست بخصوص اینکه نحوه تشکیل "مجلس خبرگان" و ضوابط و معیارهای آن در قانون اساسی نیامده و اینکار بمعهدده نفر ققیه اولین شورای نگاهبان گذاشته شده است و حال آنکه مساله مهمی چون انتخاب رهبر یا شورای رهبری باید بصراحت در قانون اساسی تعیین شود و معلوم نیست چرا اینکار مهم را مجلس بررسی نهائی قانون اساسی نتوانسته انجام دهد و بمعهدده نفر ققیه اولین شورای نگاهبان محول شده است.

نکته دیگر مساله چند مرکزیتی و عدم تفکیک وظایف رهبری چندگانه، نخست وزیر، رئیس جمهور و شورای رهبری (یا رهبر) و حدود اختیارات هر یک است. منسلاً رئیس جمهور هر وقت بخواهد میتواند جلسه هیات وزیران را بریاست خود تشکیل دهد و در این صورت معلوم نیست وظیفه و نقش نخست وزیر چیست؟ و یا رئیس جمهور منتخب مردم در قبال شورای رهبری از اختیارات خیلی کسی برخوردار است و بالاخره روشن نیست در اجرای کارهای روزمره مرکزیت قدرت اجرایی کدامند.

با توجه باینکه اقلیت بزرگی از هموطنان ما سنی مذهب هستند معلوم نیست چرا از بین آنها شخص شایسته و صالحی نتواند به مقام ریاست جمهوری برسد.

در زمینه اقتصادی، قانون اساسی جدید تأمین استقلال اقتصادی و بهبود رفاه عمومی را در نظر دارد و چنانچه اصول و بندهای مربوط باین قسمت واقفاً بمرحله عمل درآید میتوان حرکت بسوی یک اقتصاد مستقل و متکی بخود را پیش بینی نمود. طرح نظام اقتصادی که متشکل از سه بخش دولتی - تعاونی و خصوصی و همراه با برنامه ریزی است در اساس خوب و درست است ولی در قانون حدود کار و اختیارات بخش تعاونی مشخص نشده است.

سازمان انقلابی سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر سازمان کومرنها

منشور وحدت

بر تراز ساختن روابط با کشورهای همجوار بر مبنای پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز، دفاع و پشتیبانی از دولت اسلامی -

مستقل و ملی ایران برهبری امام خمینی در برابر دوا بر قدرت. مبارزه علیه هر گونه دسته بندیهای نظامی.

تشکیل "جبهه مبارزین مجاهدان افغانستان" دستاورد بزرگی برای خلقهای افغانستان و انقلاب اسلامی آنان علیه سوسیال - امپریالیستیهای روسیهاست چه یاطرد تفرقه گرائی و طردنعمین معیارهای مکتبی برای وحدت و درعوض تشخیص درست وحدت سیاسی ضد امپریالیستی، توانسته است راه گشاو پیشواز می راستین وحدت سه نیروی تاریخی اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی در منطقه باشد.

مبارزین این جبهه بدون شک با یافتاری روی وحدت اصولی و ضد امپریالیستی خود موفقیت‌های بیشتزی را در خدمت به امر کبیر رهائی خلقهای برادر افغانستان از یوغ اسارت سوسیال - امپریالیستیهای شوروی بدست خواهند آورد.

قطع صدور نفت

نمی‌توانند خلاء ناشی از عدم صدور نفت به آمریکا را جبران نمایند زیرا تمام تولید نفت این کشور تا سال ۱۹۸۰ فروخته شده است. مقامات اقتصادی آلمان فدرال نیز گفتند که این کشور خرید نفت خود از ایران را کاهش نخواهد داد. دولت لیبی هم طی پیامی از کشور های تولید کننده نفت خواست تا از افزایش تولید نفت خود داری کنند. کشورهای عرب از مسدود نمودن ارز ایران در امریکا سخت مضطرب شده و نشانه‌های زیادی موجود است که این کشورها خواهان خارج نمودن ارز کشورهای خود از امریکا هستند.

همچنین کانادا و ونزولا از ارسال نفت بیشتر به امریکا جهت پر نمودن خلاء قطع نفت از ایران خود داری می‌کنند. از طرفی در اجلاس آینده‌ی کشور های صادر کننده نفت (اوپک) در کارا کاس انتظار می‌رود که به طور حتم قیمت نفت افزایش یابد.

با توجه به مشکلات فوق، امریکا مجبور است نفت خام خود را با بهائی بیشتر از اوپک از بازار آزاد خریداری نماید که این عمل قیمتها را برای اروپای غربی نیز بسیار گرانتز خواهد کرد.

بر مبنای چنین مشکلات بزرگی برای امریکاست که "ویلیام میلر" وزیر خزانه‌داری امریکا در ۲۲ نوامبر به کشورهای عربستان سعودی، امارات عربی متحده و کویت سفر خواهد نمود. این سفر مطمئناً برای متقاعد نمودن دولت‌های این کشور ها جهت افزایش

فدائراته و فزهرماناته بسزای بدست آوردن آزادی و دمکراسی، برای رسیدن به زندگی بهتر بویژه برای میلیونها توده زحمتکش که در نهایت فقر و محرومیت زندگی کرده‌اند و برای برقراری عدالت اجتماعی مبارزه کرده‌اند ولی در طی این مبارزه سرسختانه، مردم صاحب رستنی بی برده‌اند که بدون کسب استقلال ملی و قطع نفوذ امپریالیستها و استعمارگران نمیتوان کوچکترین امیدی به کسب آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی داشت.

او جگیری انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی در نزدیک به دو سال گذشته بر اساس چنین سابقه عینی و ذهنی مبارزه مردم با استوار بوده است. سالها حکومت دیکتاتوری ظالمانه، جنایتکارانه و چپاولگر پهلویها و سالها مبارزه، تحمل و فقر و محرومیت، سجد، زندان، تبعید و شهادت آنچنان ریشه مناسبی را فراهم کرده بود که انقلاب اسلامی کشورمان، مضمون عینی به اصل خلق یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را داند. در این میان کسب استقلال ملی کوهر نابناکی بود که سر تارک انقلاب سندرخصید. کسب استقلال ملی و قطع نفوذ کامل امپریالیستها آن چراغ فرا راهی بود که انقلاب را از بیخ و خمیای حیلد کرانه امپریالیستها، طرح سازشها و رفتن شاه و حوس رقصی بخنجر و غیره سالم و بیروبرمند به جلو هدایت کرده است. کسب استقلال ملی سازه راهمسانی بوده است که انقلاب را در جریان مساررد فاطح و سلیم ساندیر با امپریالیسم آمریکا از سرور رقصی در کرداب ابعاد سوسال - امپریالیسم شوروی - جلسو کرد. شعار سر صلابت " نه شرقی، نه غربی" سنگ کراسی بود سر کسانیکه در رویای اس بوده‌اند که سب ایران از درخ آمیرگا جدا بود و بدای آنها آمد!

با در صف مستضعفین جهان، در صف کشورمانی که برای کسب استقلال و حاکمیت ملی مبارزه میکنند قرار داریم. کشور ما اکنون با برافراشتن پرچم انقلاب ضد امپریالیستی در صف مقدم کشورهای جهان سوم به نیروی حماسه‌ای بر علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت خونخوار آمریکا و شوروی برخاسته است. رشته گسست ناپذیری که ما و بقیه جهان سوم را بهم پیوند میدهد مبارزه برای استقلال و علیه سلطه گرائی بویژه سلطه گرائی دو ابر قدرت است. آنچه ما را بیهوده مستضعفین جهان مربوط و با آنها متحد میکند از جمله آرمان مشترک ساختن جهانی بدون امپریالیسم و سلطه گرائی است. در این مبارزه عظیم و جهانی بین ابر قدرتهای سلطه گر و تحت سلطه‌ها، بین امپریالیستها (بویژه دو ابر قدرت) و جهان سوم، بین مستکبرین و مستضعفین، در کپها و برداشتها یکسان نیست، سطوح مختلف و توانا ئیها متفاوتند ولی آنچه

اصل هشتماد، گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد. " اصل هشتماد و یکم: دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجارتنی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقا ممنوع است. " و همچنین اصل هشتماد و دوم: " استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای ملی. " ریمین مناسبی را برای قطع نفوذ امپریالیستها و جلوگیری از مسلط شدن آنها بر کشور ما بوجود می‌آورند. در همین زمینه اصل یکصد و چهل و ششم میگوید: " استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند بعنوان استفاده های صلح آمیز باشد ممنوع است. " اصل یکصد و چهل و پنجم: " هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمیشود. " بررسی چند اصل فوق و روحیه‌های که در مجموع قانون اساسی دیده میشود حاکی از یک خواست مقدس استقلال طلبانه، ضد امپریالیستی و ضد سلطه گرائی است. این امر خواست و اراده مردم ماست و از این نظر قانون اساسی جدید من حیث المجموع توانسته است آنرا منعکس نماید.

بررسی قانون اساسی جدید با دو معیار دیگر یعنی آزادی و عدالت اجتماعی (اساسا بمعنای کسب و دفاع از حقوق زحمتکشان) نیز باید صورت گیرد.

در زمینه آزادی و حقوق دمکراتیک قانون اساسی جدید هم دارای نکات مثبت و هم حاوی نکات منفی است. در مورد آزادی عقیده و آزادی احزاب و جمعیت‌های سیاسی قانون اساسی صراحت دارد و در مورد دیگر حقوق افراد هر چند قانون اساسی حقوق افراد را در زمینه‌های اساسی برسمیت می‌سازد ولی اسحا و آنجا تا کداسس محدودیت " مگر بحکم قانون "، " مگر در مواردی که قانون تجویز میکند " امکان سوء استفاده را برای فرصت طلبیان در آینده باز میگردد که با وضع قوانین آنچنان این آزادیها را محدود کنند که این حقوق، که در قانون اساسی برسمیت شناخته شده‌اند، تا حد زیادی نقض گردد. همینطور است محدود کردن بعضی از آزادیها با عبارت: " مگر آنکه مخل به مبانی اسلام باشد " که در اینجا آنچنان جای تفسیر این عبارت را باز میگردد که احتمال ایجاد محدودیتهای بسیار زیادی حتی برای کسانی که با احترام به مبانی و شعار اسلامی عمل میکنند وجود دارد.

موجب اصل نوزدهم: " مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مذهب اینها سب امتیاز نخواهد بود. " چرا نباید

خودشان داشته باشند و در صورتی که خوب عمل شود متضمن برقراری دمکراسی و مشارکت مردم در همه سطوح خواهد بود از نکات مثبت و مترقی قانون اساسی جدید است. طرح مساله شوراها در قانون اساسی در خطوط خیلی عام صورت گرفته و راجع به وظایف و حدود اختیارات شوراها (هر چند با جمال و کلی) صحبتی نشده است و این نکته، ضعفی است، چه آنکه در طرح قوانین بعدی راجع به شوراها این قوانین ممکن است طوری تنظیم گردند که نفی هدف اصلی شوراها بشود.

اصول ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، زمینه مناسبی برای بهبود زندگی مردم بخصوص زحمتکشان فراهم میسازد. حق داشتن کار و ملزم کردن دولت به ایجاد امکانات در این مورد، برخورداری از تامین اجتماعی (بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، ... نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی مراقبتهای پزشکی بصورت بیمه)، آموزش و پرورش رایگان و داشتن مسکن مناسب از موارد برجسته و مثبت قانون اساسی جدید است. اجرای عملی این اصول خواسته مردم ما بویژه زحمتکشان است. تحقق این اصول فقط تاثیر اساسی در دگرگون کردن واقعا

انقلابی جامعه داشته و نتیجه مطمئنی در پیبرد انقلاب و تحکیم استقلال کشور و وحدت بزرگ خلق در برابر امپریالیسم بخصوص آمریکا و شوروی و دسائس و توطئه‌های آنها خواهد بود. بند ۳ از اصل چهل و سوم یعنی " تنظیم برنامه اقتصادی کشور بصورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر بلاس شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار دانسته باشد " نیز چنانچه در عمل سجوی بیاده سود که مطابق با روح این بند باشد زمینه بسیار خوبی برای جلوگیری از انحاف بی رویه‌های است که نسبت به زحمتکشان اعمال میگردد و باعث بالا بردن قدرت خلاصت و ابتکار آنان چه در تولید و چه در امور سیاسی و اجتماعی کشور خواهد شد.

در پیروزی انقلاب اسلامی، نقش مهم و بسیار برجسته‌ای را باید به قاطعیت و تسلیم ناپذیری رهبری انقلاب، امام خمینی داد. امام خمینی نمونه بسیار خوبی از یک رهبر دینی و ملی است. رهبری که عمیقا به استقلال کشور، استقلال در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی معتقد است. رهبری است که در نهایت سادگی زندگی میکند و متوجه مستضعفین بسوده و خواهان پیشرفت و ترقی وضع زندگی آنها در برابر مستکبرین است.

یک مبارز عمیقا ضد امپریالیست و ضد استعمار است که با امپریالیسم و استعمار چه بصورت غربی و چه بصورت شرقی مخالف

● اوج گیری مبارزه ...

نه تنها در جهت قطع وابستگی حرکت نکرده بلکه برای تحکیم آن بویژه تحکیم مناسبات با آمریکا تلاش میکند، لذا چنین رهبری چه موضعی میتواند در برابر مبارزه آشتی ناپذیر و برحق که دولت جمهوری اسلامی ایران علیه امپریالیسم آمریکا در پیش گرفته تا خذ کند، الا فرورفتن در سرگردانی و سرگیجگی و دچار شدن به بی عملی و فلج سیاسی. در برابر این حرکت سیاسی ملت و دولت، رهبری غاصب سازمان چریکها به جادوگر شکست خورده‌های می ماند که طلسم زنگ‌دماش دیگر کارگر نیست. حرکت انقلابی مردم و موضع بحق امام و دولت در پشتیبانی از این حرکت این طلسم را می شکنند و ناقوس و رشکسنگی تمام و کمال مشی کاذبانه " چپ " این باصطلاح رهبری را به صدا درمی‌آورد. آنگاه، این رهبری " پیشتاز " که از موهبت انتقاد از خود هرگز بهره نبرده است صدها قدم در پس قافله پیشتاز توده‌ها به راه افتاده، به توده‌ها و رهبرشان دهن کجی کودکانه میکند و زرمه‌های مزورانه‌ای از نوع " سازشکاری محکوم است " سرمی‌دهد. تا مگر آبروی پاک باخته را به ضرب بی‌آبرویی جدیدی دوباره به دست آورد.

موضع رهبری غاصب سازمان چریکهای فدائی خلق در مورد مذاکرات کردستان لکه دیگری است بر این کارنامه سیاه. در حالیکه نیروهای ضد امپریالیست مینهن ما مرتبا " به دولت در مورد مذاکره با دشمنان خلق کرد از قماش کریم حسامی هاشمدار میدهند، این رهبری غاصب که کوچکترین فرصتی را برای ادای عشق و احترام به سوسیال - امپریالیسم شوروی از دست نمیدهد، کریم حسامی،

● نامه‌ای افشاگرانه ...

را بر علیه انقلاب اسلامی ما تحریک می کند و هر روز سایعه جدیدی را در رامهرمز بخش می‌کند و حتی این افراد می‌خواستند به وسیله ارباب کفتار صفتشان به کمیته انقلاب اسلامی رامهرمز هم راه پیدا کنند.

جدیدی بیش در قریه کیمه که فتودال معروف در آن سکونت دارد و تظاهراتی بوسیله عده‌ای از جوانان مسلمان مبارز بر علیه او و ایادی اش که در بالا گفتیم بر گزار شد و شارهائی می‌دادند از جمله مرگ بر سه مفسدین ... و این مالک قدیمی اعدام باید گردد. متاسفانه این تظاهرات آرام به وسیله حماق بدستان فتودال معروف و ایادی اش سرکوب شد. در ضمن این فتودال و سرمایه دار وابسته به آمریکا یک کارخانه‌ای آرد در رامهرمز دارد که به بهانه‌ای آن را خراب کرده است و می گوید پول ندارم. با تقدیم احترامات - توجع آرمان

سودی، وزارت جریسی ستاد و ... خواهد نمود. این سفر مطمئنا برای متقاعد نمودن دولتهای این کشور با جهت افزایش تولید نفت خام خود و ایجاد شکاف در درون اوپیک می باشد که قرار است در ماه دسامبر در کارا کاس جلسه‌ای بر گزار کند.

این مدافع سوکند خورد ده کرملین را بخاطر مذاکرات با دولت به سازشکاری متهم میکنند. آری، از نظر رهبری غاصب " فدائیان " که این چنین کاسه داغتر از آش میشود، کریم حسامی می‌بایست تا آخر برای تحقق منافع سلطه جویانه‌ی سوسیال - امپریالیستهای روسی " مبارزه " میکرد یعنی می - بایست پای مستشاران و میکها و تانکهای روسی (و یا ویتنامی و کوبائی ویمینی) را به کردستان باز میکرد. اما آقایان نگران نباشند، زیرا حسامی و دارودسته او یقینا " این برنامه شورانگیز مورد نظر رهبری غاصب را به کنار نگذاشته اند و می‌ایند آنرا عاقلانه تر از فدائیان نورسیده عملی سازند. پیدا است که حلقه مرکزی و نقطه ثقل تمام مشی و سیاست رهبری غاصب سازمان فدائیان را تضعیف حکومت ملی بهر قیمت و براندازی آن بهر ترتیب تشکیل میدهد و در این راه ابائی ندارند از اینکه در اینجا به بختیار متوسل شوند (رجوع کنید به " راه فدائی ") و در آنجا با کریم حسامی متحد، در اینجا در برابر امپریالیسم آمریکا سپر اندازند و در آنجا از سوسیال - امپریالیسم شوروی دفاع کنند.

لکن انقلاب و توده‌ها بیکار ننشسته‌اند و با امواج بی درپی آنها را مورد ضربه قرار میدهند و ورشکستگی سیاسی آنها را هرچه کاملتر به ثبت میرسانند.

بروسه دائمی تکه تکه شدن سازمان چریکهای فدائی و خروج عناصر صادق و مبارز از این سازمان بیان آشکار این ورشکستگی، سیاسی رو به کمال است.

هفته نامه

خمسبر

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

مدیر مسئول - علی صحت

سردبیر - فرامرز وزیری

نشانی: خیابان معدنی، پاشین تبر

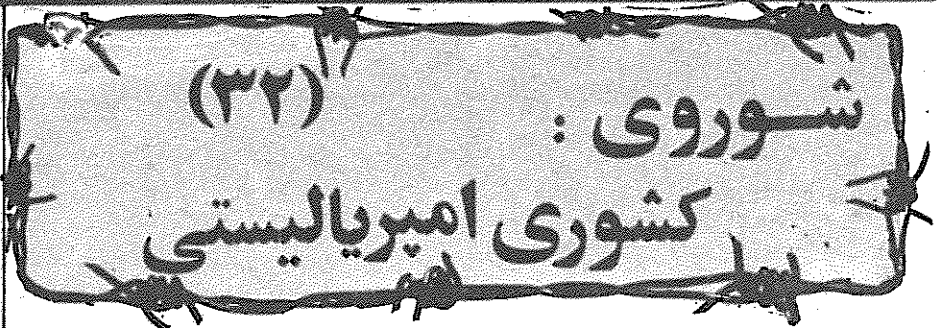
از میدان ولی عصر، خیابان زمره

پلاک ۷ تلفن: ۶۴۲۹۱۴

نشانی پستی: تهران، هنرمند

پستی ۱۴۰۱ - ۲۱۴

چاپ گاه



فرهنگ، هنر و ادبیات (۱)

برای اینکه بدانیم شوروی کنونی دارای چه نوع فرهنگی است و برایمان روشن شود که آیا در این کشور فرهنگ سوسیالیستی وجود دارد یا نه اول باید بدانیم که منظور از فرهنگ سوسیالیستی چیست و چه فرقی با فرهنگ سرمایه داری و امپریالیستی دارد.

لنین می گوید: "هیچکس نمی تواند در جامعه ای زندگی کند و از تأثیر این جامعه آزاد باشد. آزادی نویسنده بورژوا، هنرمند بورژوا و یا هنرپیشه بورژوا در واقع وابستگی به کیسه پول، فساد و فحشاء است که نقابی بر چهره زده (رجوع شود به مقاله "تشکیلات حزبی و ادبیات حزبی" کلیات لنین به زبان انگلیسی جلد ۱۰ صفحه ۴۹). او سپس اعلام می کند که "ادبیات و هنر غیر طبقاتی... تنها در جامعه بدون طبقه کمونیستی امکان دارد (همانجا) باین طریق روشن می شود که تا زمانی که در جامعه ای طبقات اجتماعی وجود دارند ادبیات، هنر و به طور کلی فرهنگ تحت تأثیر این طبقات بوده و طبقاتی است. نتیجه اینکه وقتی یک طبقه در چنین جامعه ای نقش طبقه حاکم را داشت طبقا فرهنگ این طبقه در آنجا نقش حاکم را پیدا می کند و ظاهر فرهنگ کلیه طبقات این جامعه می گردد. بنابراین در اجتماع سرمایه داری، فرهنگ طبقه سرمایه دار (بورژوا) حاکم خواهد بود و در جامعه سوسیالیستی، فرهنگ کارگر (پرولتاریا).

طبقه سرمایه دار (بورژوازی) از آنجا که یک اقلیت کوچک را در جامعه تشکیل می دهد، برای اینکه حکومت خودش را که در واقع حکومت یک اقلیت کوچک بر یک اکثریت بزرگ (زحمتکش) است موجه جلوه بدهد همیشه مدعی است که در جامعه "آزادی"، "برابری" و "دمکراسی" مطلق برقرار کرده است. همین موضوع هم سبب می شود که نویسندگان، هنرمندان و به طور کلی روشنفکران بورژوازی، جامعه سرمایه داری را نمونه جامعه "آزاد" بدانند و سوسیالیسم را علیه آزادی و دمکراسی و مظهر دیکتاتوری عنوان نمایند. در رد این ادعای روشنفکران بورژوازی است که لنین می گوید: "آزادی واقعی و موثر نمی تواند در جامعه ای که اساسش بر قدرت پول قرار گرفته، در جامعه ای که توده های وسیع زحمتکش در فقر زندگی میکنند و تعداد انگشت شمار ثروتمندان مثل انگل هائی بر آن حاکم هستند وجود داشته باشد (کلیات لنین، جلد ۱۰، صفحه ۴۸).

حالا ببینیم وجه تمایز فرهنگ بورژوازی از فرهنگ پرولتاریا چیست. لنین در رابطه با ادبیات، این موضوع را توضیح داده و می گوید که ادبیات پرولتاریا ادبیات واقعا آزاد است زیرا که "ایده سوسیالیسم و همدردی با زحمتکش بر آن حاکم است و نه طمع و مقام طلبی و همین موضوع روز به روز گروه های بیشتری را به صفوف آن خواهد افزود. این ادبیات آزاد است زیرا که در خدمت دخترخانه های از خود راضی و یا در خدمت آن ده هزار نفر آدمهای بی حوصله بالای جامعه که از پر خوری دارای سوء هاضمه هستند قرار نمی گیرند بلکه در خدمت میلیونها و دهها میلیون توده های زحمتکش که گل سر سبد و نماینده قدرت و امید آینده اجتماع هستند قرار می گیرد. این ادبیات آزاد خواهد بود چون آخرین کلامها یا اندیشه انقلابی بهش با استفاده از تجربه و کار خلاق پرولتاریای سوسیالیست غنی می کند و تجربیات گذشته تجربیات کنونی (مبارزات کنونی رفقای کارگر) در هم می آمیزد." (رجوع شود به کلیات بقیه در صفحه ۶)

منشور وحدت جبهه مبارزین مجاهد افغانستان

چندی پیش ۵ سازمان اسلامی، ملی کرا و مارکسیست - لنینیست افغانستان بخاطر بهتر پیش بردن مبارزه ملی علیه سوسیال - امپریالیسم روسیه متحد شده و "جبهه مبارزین مجاهد افغانستان" را بوجود آوردند. اخیرا منشور وحدت و اهداف این جبهه متحد بدست ما رسیده است که آنرا از نظر شما می گذرانیم: ۱- محور مبارزات ما را کسب استقلال از روس ها و نوکران داخلی اش از طریق سرنگونی قهری (مسلحانه) دولت "تره کی - امین و ایجاد جمهوری اسلامی تشکیل می دهد. بطور مشخص مبارزه علیه سوسیال - امپریالیسم بخاطر حفظ دین مقدس اسلام و استقلال ملی و مبارزه علیه دیکتاتوری فاشیستی - شوونیستی بخاطر تحقق دمکراسی اسلام مبارز.

۲- قطع نفوذ سوسیال - امپریالیسم و کلیسه امپریالیستها از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و ایجاد افغانستان اسلامی و مستقل از ابر قدرت ها.

۳- دفاع قاطع از مقدسات و عقاید مردم مسلمان و سایر اقلیتهای مذهبی.

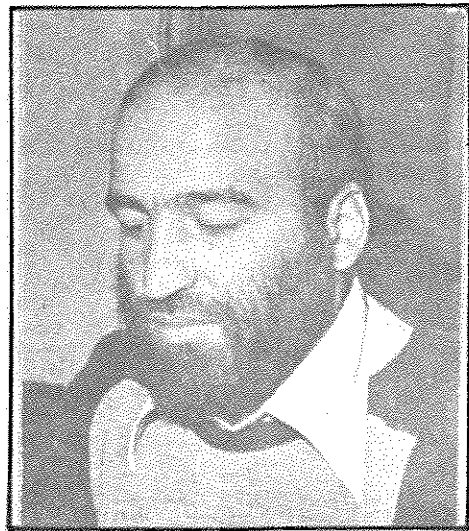
۴- پشتیبانی از روحانیت مستقل و اسلام مبارز (تسنن - تشیع و غیره) در کادر اسلام واحد - برابری تمام ملیتهای افغانستان، مبارزه علیه شوینیسم و محلی گرائی و حق تعیین سرنوشت برای تمام ملیتها و تحکیم وحدت سیاسی کشور از راه دمکراتیک.

۵- ایجاد دولت اسلامی - ملی و مستقل از تمام قدرتهای امپریالیستی و سوسیال - امپریالیسم (جمهوری اسلامی به خواست ملت) متکی به نیروی مردم و ثروتهای کشورشان و ایجاد اقتصاد

سیاست، فرهنگ و ارتش اسلامی ملی و مستقل - اصل استقلال و اتکاء بخود اصل اساسی است. در جریان مبارزه برای جبهه و برای دولت مستقل آینده، نه شوروی و نه آمریکا و نه هیچ قدرت دیگر، در صحنه مناسبات بین المللی.

۶- پشتیبانی از جنبشهای اسلام مبارز - جنبشهای آزاد ببخش و کشورهای غیر متعهد برقرار کردن روابط دوستی و برادری با کشورهای همجوار افغانستان - غیر از آن سیاستی که روسها نقشه های استعمارگرانه خود را به وسیله عمالشان در رابطه با کشورهای همجوار عملی می کنند. بقیه در صفحه ۷

مصاحبه با مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران وظیفه سپاه پاسداران دفاع از انقلاب اسلامی است



"سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" به تصویب مجلس خبرگان جزو نیروهای انتظامی کشور شده است. این سپاه که بعد از پیروزی انقلاب بوجود آمد تا کنون نقش مهمی در اوضاع و رویدادهای میهن ما بازی کرده است. برای آشنایی بیشتر با وظایف و اوضاع عمومی این سپاه مصاحبه ای با آقای فروتن، مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام داده ایم، که در زیر فشرده ای از آن را می خوانید.

سپاه پاسداران را مردم میهن ما می شناسند، اما نه به درستی. ممکن است اوضاع کلی سپاه و نقش افراد آن را، برای خوانندگان "رنجبر" بگویید؟

- بسم الله الرحمن الرحیم. سپاه پاسداران همان طور که از اسمش پیدا است وظیفه اش پاسداری از انقلاب اسلامی ایران است. این سپاه بعد از پیروزی انقلاب به فرمان امام تشکیل شد. وظایف این سپاه اساسا در سه بعد نظامی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی خلاصه می شود.

این سپاه وظیفه دارد که در هر زمینه از دستاوردهای انقلاب اسلامی دفاع نموده و با هر نیرویی که بخواهد بر خلاف انقلاب حرکت کند مقابله نماید. این مقابله در درجه اول متوجه باز گرداندن نیروهای منحرف به مسیر انقلاب اسلامی است. این نیرو حتی می تواند دولت باشد.

بنا به فرمان امام این سپاه زیر نظر دولت نخواهد بود، بلکه با مشورت دولت انجام وظیفه خواهد کرد. سپاه پاسداران زیر نظر شورای نگهبان قانون اساسی فعالیت خواهد کرد. بعد نظامی وظایف سپاه همواره وجود خواهد داشت، اما سعی ما و آرزوی ما این است که کمتر به مسائل نظامی بپردازیم تا فرصت بیشتری برای اقدامات فرهنگی و عمرانی داشته باشیم.

اما سپاه پاسداران تا کنون بیشتر اقدامات نظامی انجام داده است، دلیل این امر چیست؟ آیا فعالیت های عمرانی هم داشته اید؟

- متأسفانه همین طور است. تا کنون ما بیشتر کارهای نظامی داشته ایم، اما برنامه ما این است که عملیات و تعلیمات نظامی بیش از ده درصد نیرویمان را نگیرد. کارهای عمرانی ما تا کنون با موفقیت زیادی روبرو بوده است. ما در بسیاری از فعالیتهای جهاد سازندگی شرکت داشته ایم. یادگان توحید سپاه پاسداران که در ناحیه ورامین واقع شده است عمدتا کار کشاورزی انجام داده است. امیدواریم که هر چه بیشتر بتوانیم فعالیتهایمان را روی این قبیل کارها متمرکز کنیم.

وضع افراد سپاه چگونه است؟ فعلا تا وقتی سپاه پاسداران رسمیت و

انسجام کامل پیدا نکرده، کسی به استخدام سپاه در نمی آید، بلکه مسئله فقط عضویت در سپاه است. در مورد حقوق افراد هم ما اساسا سعی می کنیم بر مبنای نیاز افراد حقوق پرداخت کنیم. بر همین مبنا حداقل و حداکثر حقوق در سپاه بین ۱۵۰۰ تا ۶ هزار تومان است.

در جریان وقایع اخیر انزلی صحبت زیادی از پاسداران به عمل آمد، نظر شما در مورد آن وقایع و نقش پاسداران چیست؟

- ما پاسداران هیچ وقت ادعا نمی کنیم گل بی عیب هستیم و هیچگاه از ما خطا سر نمی زند. از ما خطا سر می زند. اما این خطایک وقت آگاهانه است و یک وقت نا آگاهانه. اگر خطا آگاهانه باشد خیانت است و اگر نا آگاهانه باشد، باید دید چه عواملی باعث شده که این خطا صورت گیرد...

در مورد انزلی هم آنچه ما بررسی کرده ایم طرح و نقشه ای بود که توسط عناصری که کوشش می کردند بنوعی ایجاد اغتشاش کنند... به طور کلی نمی گویم سپاه هیچ تقصیری نداشته، شاید تقصیر داشته ولی به طور نا خود آگاه مردم پسرید، من هر طور بگویم این فکر در ذهن خواننده خطور می کند که شاید اینها می خواهند خودشان را کنار بکشند.

خطا ما را چگونه تفسیر می کنید؟ - خطا ما، همان طور که ما در منطق های مکرر نشان بیان کرده اند کاملا روشن است. امام با کسی سر جنگ ندارند و در مقابل ظلم هم با هیچکس سر سازش ندارند... اگر واقعا یکی در خدمت انقلاب است و می خواهد در خدمت انقلاب باشد ما هم در خدمتش باشیم اگر نمی خواهد باشد ما باید علتش را بفهمیم مبارزه ما با ضد انقلابیون و دشمنان خلق است حالا اگر امریکاست، امریکا، اگر شوروی است، شوروی. البته مهم این است که اولویت را در نظر بگیریم.

داشت. این خبر نگار مدافع امپریالیسم روسیه در زمانی که اربابانش خلقهای برادرافغانستان را کشتار می‌کنند بی شرمی را به جانی رسانید که سئوالی علیه انعکاس اخبار مبارزات مردم افغانستان در افشاگری جنایات شوروی طرح کرد و گفت:

"آیا در شرایط فعلی به‌نفع انقلاب ایران است که مسائل داخلی مردم خود افغانستان به شکل تحریف شده‌ای در مطبوعات ایران

منتشر بشود و بخصوص که گفته شده انقلاب اسلامی ایران بخصوص قصد صدور انقلاب را ندارد و با توجه به اینکه حرکت اخیری که در افغانستان دیده می‌شود با ماهیت انقلاب اصیل اسلامی ایران متفاوت است."

در پاسخ به این سئوال، آقای بنی‌صدر پاسخ دندان شکنی به این گونه مزدوران روسیه

جزوه آموزنده "جوانان خیابان ایران"

همچنانکه در شماره‌ی قبل رنجبر خبر دادیم، جزوه‌ای به دست ما رسیده به نام "نگاهی به مسائل کردستان و شرق ایران" که "گروهی از جوانان خیابان ایران" آن را منتشر نموده‌اند.

جزوه "مسائل سیاستهای تجاوزگرانه دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه" را در منطقه خلیج فارس و خاور میانه مورد ارزیابی قرار می‌دهد و این امر را با تحلیل سیاستهای استعماری روسیه تزاری و انگلیس طی قرون هجدهم و نوزدهم تا اوائل قرن بیستم آغاز می‌کند. این تحلیل حاوی نکات مثبت و ارزنده‌ای است که در صورت ادامه و تعمیق آن می‌تواند به مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما خدمت نماید.

جزوه به افشای تپانی دو ابر قدرت آمریکا و روسیه در کردستان می‌پردازد و سیاست سوسیال‌امپریالیسم روسیه مبنی بر بلوا در غرب یعنی کردستان - برای تهاجم به شرق - یعنی افغانستان را افشاء می‌نماید. جزوه حاوی نکات هشدار دهنده‌ای به دولت درمورد توطئه ابر قدرت روسیه در کردستان و شرق ایران است. این تحلیل به مسئله افغانستان و هجوم سوسیال امپریالیسم شوروی به آن، به منزله نقطه کلیدی و استراتژیک برای دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند نظر می‌افکند. در انتهای جزوه جدولی از گسترش‌رضی روسیه تزاری و انگلیس از سال ۱۷۴۶ تا ۱۹۰۰ ارائه می‌دهد که شامل مسائل جالب و آموزنده‌ای است.

ما برای "جوانان خیابان ایران" موفقیت‌های بیشتری را در افشای ابر قدرت‌ها و آموزش سیاسی مردم ما آرزو می‌کنیم.

سرباز مسلح و تانک و توپ و هواپیما در آنجا دخالت کند؟ و شما چه حق دارید این سئوال را بکنید؟ مردم افغانستان مترقی هستند و یا غیر مترقی هستند، اینها خودشان می‌دانند. چه کسی در این دنیا می‌تواند بپذیرد که به زور شیوه تفکر و شیوه زندگی یک مردمی را می‌توان عوض کرد و باز، بطور می‌توانیم در همسایگی خودمان ناظر یک دخالتی باشیم و نسبت به آن لاقید بنامیم؟ پس از این اخطارهای پیاپی که دولت روسیه برای این و آن می‌فرستد که امنیت من در مرزها به خطر افتاد، چیست، چرا او حق دارد، چون بزرگ است و ما حق نداریم چون کوچک هستیم؟ اگر حق است ما هم داریم و ما بیشتر از او حق داریم، ما تاریخ پیوسته‌ای با افغانستان داریم. ما هر دو یک فرهنگ داریم و یک مردم هستیم. بطور بنوانیم لاقید بنامیم در مورد

است که در صورت دخالت نکردن دولت‌ها ی خارجی در یک کشور، مردم آن کشور با هم کرد. اصل استقلال را که در عمل انقلاب ما بوجود آورد و به عنوان اصل برای پیشرفت‌رشد لازم است. این چیز را باید به جهان برسانیم و از آن دفاع کنیم. اینکه ما نتوانیم انقلاب را صادر کنیم یا نمی‌توانیم این کار را بکنیم، حرف مفت است. شما که می‌دانید دست ما نیست. بکنیم یا نکنیم در حالی که حضور خود شما می‌گوید که بسیاری چیزها صادر می‌شود، بنابراین، انقلاب ما هم انقلابی است که نمی‌تواند در مرزها محدود بماند.

جای تعجب نیست که روزنامه "مردم" این سئوال و جواب را مسکوت گذارد و آن را در روس نامهی خود به چاپ نرسانید.

رویدادهای اقتصادی

نمایشگاه تأمین استقلال صنایع ایران

در تاریخ ۲۲ آبانماه موفق شدیم که از نمایشگاه تأمین استقلال صنایع ایران دیدن کنیم. در این نمایشگاه که از تاریخ دوازدهم آبانماه در محل نمایشگاه بین‌المللی تهران افتتاح شده است، سه‌روزه‌ای صنایع وجود دارند: گروه اول صنایع مونتاژ با شرکت ۵۸ کارخانه بزرگ، گروه دوم شامل موسسات علمی و تحقیقی هستند که ۲۹ مرکز علمی در آن شرکت دارند و گروه سوم شامل صنایع کوچک است که با شرکت ۱۵۴ صنعتگر شکل شده است.

اولین مسالهی که در دیدار از نمایشگاه به چشم می‌خورد نوع دیدارکنندگان است. اکثریت بازدیدکنندگان را کارگران و صنعتگران کوچک تشکیل می‌دهند که با علاقه دیدار نمایشگاه آمده و از قسمت‌های مختلف دیدن می‌کنند. اینان با تجربیات عملی که دارند در مورد مسائل مختلف به بحث و تبادل نظر می‌پردازند و باگوش کردن به مطالب و نقطه‌نظرهای آنان می‌توان دریافت که خواهان استقلال اقتصادی کشور هستند و برای رفع مشکلات مملکت دلسوزند.

بعضی از تولیدکنندگان مشکلات خود را مطرح می‌کردند و این که اجناس خارجی جلوی رشد محصولات شرکت‌های داخلی را می‌گیرد و اینکه کارخانجات داخلی برابر رقابت اجناس خارجی کمتر از ظرفیت کار می‌کنند. مثلاً "مسئول کارخانجات تولیدی معبری که سازنده دستگاه سم‌پاش و کشاورزی است، اظهار داشت که ما در سال ۳ هزار دستگاه سم‌پاش تولید می‌کنیم که

اشغال لاتنه جاسوسی آمریکا در تهران، در خارج کشور نیز با استقبال گرم میهن پرستان ایرانی روبرو شده است. مبارزات ایرانیان مقیم خارج از کشور، بویژه دانشجویان فضای سیاسی کشورهای غربی و بخصوص آمریکا را تحت تاثیر قرار داده است. "انجمنهای اسلامی دانشجویان و کنگدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی" (سیس)، بار عمده مبارزه و افشاگری علیه امپریالیسم آمریکا را بعهده داشته‌اند بطوریکه تاکنون بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان عضو

رشد این مغزها و حیطة عمل برای آنان وجود ندارد. در آخر بایستی به سادگی این نمایشگاه اشاره کرد و از آن آموخت. غرفه‌ها بسیار ساده بنا شده بودند و از وسایل تجملی که در نمایشگاه‌های قلابی رژیم سابق دیده میشد خبری نبود. این امر به کارگران و صنعتگران جرات میداد که اظهار نظر کنند چه آن‌ها خود را در محیطی ساده می‌دیدند و از خجالت، بهت‌زدگی و خود را گم کردن خبری نبود و این خود باعث بحث و تبادل نظر آزادانه و دوستانه‌ای می‌شد.

موفقیت‌های بیشتری را برای صنعتگران ملی میهنان جهت رشد تولیدات ملی، قطع وابستگی و ساختن ایرانی مستقل و متکی بخود آرزو مندیم.

بحران فرآیندهای انرژی در شوروی

خبر گزارى یونایند پرس از مسکو گزارش می‌دهد که نگرانی دولت شوروی از بحران انرژی شکل علنی به خود گرفته است بطوریکه روزنامه "پراودا" ارگان حزب ریزویونیست شوروی صریحاً به این موضوع اشاره کرده و از جانب دولت شوروی، از مردم و کارخانه‌ها درخواست کرده است که بخصوص در زمستان آینده سیاست صرفه جویی شدید اقتصادی را پیش گیرند.

پراودا می‌نویسد: "احتیاجات ملی رو به گسترش بوده و به این دلیل است که حزب کمونیست مشکل پیچیده سوخت و انرژی کشور را به عنوان مهمترین مشکلات مورد توجه قرار داده است. ما مطمئن نمی‌توانیم از وضع حاضر راضی باشیم."

سرمقاله پراودا بعضی از سازمان‌های دولتی را به خاطر اینکه با طرح‌های نامناسب تولید نفت و ذغال سنگ و نیز تولید تجهیزات سنگین برای حفاری و اکتشاف معادن اوضاع

مبارزات ارزشمند کنگدراسیون دانشجویان ایرانی، مخاری به چشم‌مزدوران دو ابر قدرت

کنفدازسیون جهانی، تنها در آمریکا دستگیر و دهه‌انفر نیز در زردخورد پایلیس، زخمی شده‌اند.

مسئولین کنگدراسیون جهانی در تماسی با خبرنگار رنجبر اعلام کردند که بعلت اوجگیری مبارزات و افشاگریهای دانشجویان، اوضاع در آمریکا در حال تغییر بنفع ایران است و افکار عمومی ملت آمریکا دارد قدم قدم به مفهوم مبارزه مردم ایران و خواسته‌های بحق آنان پی میبرد. اخیراً موج مخالفت با سیاست کارتر علیه پذیرفتن شاه شروع به شکل گیری کرده‌است. بقیه در صفحه ۲

موجود را بوجود آورده‌اند، مورد سرزنس قرار داده است.

این امر از طرفی بیانگر این است که چگونه حاکمیت سود بر واحدهای تولیدی و هر چه مورج در تولید که از ویژگیهای سرمایه داری است، در شوروی به اصطلاح سوسیالیستی حاکم است، در ضمن آسوشیند پرس از ورشو گزارش می‌دهد که "ایچی وارس آدی" یکی از معتبرترین روزنامه‌های لهستانی که معمولاً نظریات دولت این کشور را منعکس می‌کند، شدیداً به سیاست قیمت گذاری او یک حمله کرده است. این خبر گزارى همچنین می‌نویسد: از زمانی که صدور نفت شوروی به متحدانش رو به کاهش نهاده است، لهستان و سایر کشورهای اردوگاه شوروی دریافته‌اند که مشکل می‌توانند به اندازه کافی ارز غربی بدست آورند تا با آن از کشورهای عضو او یک نفت بخرند.

قطع صدور نفت و بحران آمریکا

با قطع صدور نفت ایران به آمریکا مسدود نمودن بخشی از موجودی ارز ایران در آمریکا، این کشور دچار بحران بزرگ سیاسی-اقتصادی گردیده است. باین ترتیب که از یک طرف کشورهای اروپای غربی و ژاپن به خاطر منافع اقتصادی خود حاضر نیستند سیاست اقتصادی دولت کارتر را در زمینه نفت و ارز قبول نمایند و از طرف دیگر کشورهای عضو او یک نیز حاضر به افزایش تولید نفت خام خود نیستند. برای مثال وزارت دارائی ژاپن اظهار داشته اگر آمریکا از ژاپن بخواهد در مناقشهی آمریکا و ایران فعالانه با واشنگتن همکاری کند، این کشور در موقعیت دشواری قرار خواهد گرفت. (ژاپن بعد از آمریکا بزرگترین وارد کننده ی نفت در جهان است.)

همچنین مقامات مکزیک اظهار داشتند که بقیه در صفحه ۷